

را از اقدامات و همراهی آن برادران تقدیم مینمایم

••••

جناب آقا میرزا علی محمد خان نیز سلسله نطق را بلسان فصیح خود پیوند نموده و در کمال فصاحت و بلاغت بزبان اردو که مقدمه آن از تاریخ اسلام و دامنه اش دعوت بسوی اتحاد و اتفاق بود بیان فرمودند

••••

جناب قاضی مرعی نیز بلسان فارسی مختصره نطق مفیدی که مبنی بر مسرت خود از این مجلس شریف بود بیان فرموده پس از مذاکرات اتحادیه از طرف انجمن وطن خواهان طبقاتی گل نثار حاضرین نموده بصره شربت محبت مجلس ختم گردید

ترجمه از روزنامه سیقل مورخه بیستم سپتامبر (خطب قضاوت)

محبتی که نسبت بشکل جدید ایران محسوس میکنم همان محبتی که این روزنامه سیقل در موافقی هم نسبت بایران اظهار می کرد که حالی از اشکال و حزنمندی نبود، ما را از مشاهده خطبهایکه در طهران بعمل می آید مانع نمیشود بر عکس نظر بآن دلبستگی که متصل نسبت بایران ما نشان داده ایم ما را مجاز می کند که امروز بدوستان ایران خود مان خطاب کرده و از آنها خواهش میکنیم که باصلاح خطب قضاوت که ماه گذشته در ایران شده است زودتر پردازند. آنچه گفتیم راجع بیک نفر همقم ما آقا سید حسن مدیر بهترین جریده آزاد ایران است که محکوم به بیست دو ماه حبس و مرار و باصد فرانک جریمه شده بعلمت فصلی که دیگری امضا کرده بود و او خود ننخوانده بوده است و آننگی از قراریکه معلوم میشود در این فصل چیزی که مستحق توبیه شود نوشته بود تفصیل این امر این است.

بعد از آنکه شیخ فضل الله نام ملای خطرناک را که مرتکب گناه کبیره شده و بامنبت ملایران صدمه وارد آورده بود بهار کشیدند روزنامه حبس اتین فصلی در تحقیقات تاریخی نوشته و در آن از علی که احتمال طایع از ترقی ایران شده اند حرف زده و مؤلف این فصل با عصبانیت طرف شده و آنها را بیستفندان سوسمار خور نام گذاشته و از مملکت ترقی ایران مذمت کرده است در این بین مبعودی

از ملاهای ایرانی که اندام شان از مجازات شیخ فضل الله برزخ افتاده بوده گفته اند که این روزنامه نویسن نسبت بذهب و پیغمبر ناسزا گفته است. راست است که حضرت محمد (ع) میدان عرب ها سیزده قرن قبل زندگانی کرده ولی اگر مختصری بقرآن رجوع بشود معلوم خواهد شد که همین سوسمار خورهای همان زمان بدترین دشمن حضرت پیغمبر بودند و به کسانی که مدعی هستند که دخول تمدن جدید بایران اسباب خراب اسلام است باید نسبت بشوری داد. چرا که مذهب اسلام بکلی عاری از موهومات و هیچ نوع از انواع بت پرستی را بر خود راه نمی دهد، شاید تنها مذهبی است که با افکار جدید تمدن موافقت کامله دارد بطوری که همین مسئله را در کتابچه خود که رساله (لالان) نام نهاده یکی از بزرگترین و معتبرترین رؤسای مذهبی ایران که نزد اسلام است در تجرید دلایل قاطعه ثبت کرده است

این هم دلایل عقل بد محتاج مانع از آن شدند که رئیس روزنامه حبس اتین محکوم بر حبس شود و خود روزنامه توقیف نگردد

اگرچه صحیح است که در میان قضای این محاکمه چند نفر از هم چنان . . . . . بوده اند. ولی این خود شبر مایه این فتوی میشود

تکلیف شخصی دولت ایران این است که این فتوی را بهم زده در محاکمه که بی جهت اسباب محکومیت همقم ما آقا سید حسن شدراست تحقیقات مجدد بعمل آورد و یا اینکه در موقع افتتاح مجلس ملی قلم عرو بر روی این فتوی بکشد. صرف نظر از تمامی مقصدهات عدالت خدمات برادر آقا سید حسن آن صاحب قلم هرگز خسته نشوند اعنی مؤیدالاسلام مقتضی آن نیست که تبر از این دو حق برادر او رفتار بکند

مؤید الاسلام هفده سال قبل بر این دو کلمه او این روزنامه آزادی طلب ایرانی را احداث کرد و او را با وجود آن همه زحمت و مشقت ها و مهلکه های لاتعد و لاتحصى تا امروز زنده نسکه داشت و می شود گفت که معزیه ای، مرید عقاید در ایران دخلی بیشتر از مردمان سیاسی از برای جنبش ملی و ترقی مملکت خود کار کرده است دو فرنگ

نخواهد فهمید که چطور میشود که همان رولیبیون که رای وقوع آن مویدالاسلام آن همه جان کنی کرده حالا در خانواده خود او صیادی بکند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جراند فرنگ عموماً خاصه روزنماجات انصاف پسند فرانس در محاکمه میرزا سید حسن داد انصاف صی داده و ما الزام باحدی نمیدیم ، ولی همین قدر میگوایم که چشم پوشی از جمیع خدمات و حسنات برای ذی قیمت میرزا سید حسن شده است هرگاه حبران نشود خوف آن است که يك لکمه ظلمی تاریخی را این دوره بورایب ایران نهاده شود

ما با هزاران ربان از همدردی و انصاف پسندی و قدر دانی همقلان منصف خود خاصه روزنامه معتبره محترمه ( سیقل ) تشکرات صمیمی خود مان را تقدیم می نمایم که الحق از وظیفه نوع پروری و حق گوئی دقیقه فروگذار نه نموده اند، و ایشان را اسمینان میدهم که دیری نخواهد گذشت که آحاد ملت محبوب ما هم بتزایای قدردان خدام حقیقی خود مایل خواهند آمد

امروزه که ایرانیان اول قدم خود را بجانب تمدن و عدالت و انصاف پیش نهاده اند چون صدها مواجع در حل و کشف حقایق دارند و هنوز حس و سلیقه خادم و خائن شناسی در آنها پیدا نشده این گونه واقعات را خارق العاده نمیتوان تصور کرد. مسرت ما این است که زمانه کشف حقایق می نماید و رده های ضخیم حقایق پوش که کم مرتفع میگردد

هرگز راضی نمیشویم که همقلان محترم ما عدم قدردانی را بملت محبوب و یا سبب سرو و خبط ناپاید ای دولت عزیز ما بدهند چه تواریخ ادوار سالانه ملل و دول مترقی با شان میدهد که با رجال بررک خود و خدام حقیقی وطن خویش ~~که~~ امروزه مجسمه های آنها در انظار جلوه گر است و صدها یادگار بنام آنان قائم شده همین گونه سلوکها مرعی داشته اند، و این نبود مگر بواسطه عدم حس و سلیقه خادم و خائن شناسی در آن ملت ، درین صورت هرگاه برادر عزیز ما بگناه وطن خواهی و اسلام پرستی در محبس از گرسنگی جان شیرین

را فدای ملت محبوب خود سازد برخلاف داب و آئینیکه با همقطاران او در آغاز ترقی ملل مترقی کنونی رفتار نموده اند با اوسلوک نشده است باز هم تجدید تشکر از همقلان محترم خود ازین قدر دانی و حسن عدالت پرستی و نوع خواهی می نمایم ~~که~~ سواد تلگراف جججج اشلام عنبات ~~که~~ ( از قصر بهمدان )

( بسم الله الرحمن الرحيم )

بتوسط جناب مستطاب شریعت مدار کهنه الانام نقه الاسلام آقای حاجی شیخ محمد باقر مجتهد دامت برکاته ، عموم ملت تیرت مند همدان دامت تأییداتهم تلگراف محترم رسید حجت دینی و حسن مسلی آن برادران ایمانی موجب عز اسلام ، و البته حسن حصین وطن اسلامی اتفاق کلمه ملیه منحصر است در خصوص تحریم اتمه ، و کلیه معاملات با روسیه از سایر مراکز ملیه هم خواسته بودند لکن چون بتوجب تلگراف مبارک اعلیحضرت هایون سلطان عثمانی ادام الله تعالی سلطانه که در جواب این خدام شرع انور رسیده ، دولت روس به باغالی و سایر دول معظمه تحریرات رسیده داده که به محض امنیت ایران قشرون خود را عودت دهد لهذا در این موقع که بحمد الله تعالی دولت و ملت متحد ، و ماده ، فساد از مملکت مرتفع و ابواب بهانه جوئی اشاء الله تعالی مسدود است ، عجاتاً در حکم مذکور توقف و نتیجه مذاکرات دولتی را منتظریم ، خوب است مراکز تجارت بهمدیگر ادلاع داده مریا و ملتفت باشند

( محمد کاظم الخراسانی )

( عبدالله المازندرانی )

نقل از روزنامه شریفه استقلال

( منطبه تبریز )

بدین است که اعضا کبیبون جنک اقدامات خود را در حق عموم فلکزدگان دوره استبداد و قتلا و مان ، بطور تلوی خواهند نمود ، ولی اتمین تقابلیکه بدو باید توجی نمایند نقطه آذربایجان خصوصاً دارالشعائد تبریز است ، که هجوم مخالفین و تطاول دشمنان انسابت ، منظره زیبای آن را باندل خاکستری ساخته ، چنانکه فلاکت و بدعتی از دور و دیوار آن میبارد

خانهای خراب و عمارات ریخته شده آن حکایت می کند که چه آتشی از دولتبان بی انصاف بر این ملک ویران شده افروخته، و کاشانه آسایش آن را سوخته است

آن ناامی داغش اطفال بی پدر، و زنان بی صاحب (پدر و صاحب آنها در میدان مجاهدت جان باخته اند) شبها برفراز آسایشها میرسد، و آن مویه هائیکه در فراق فرزند و برادر از درونهای دردناک بصاخ هوش شیرینندان عالم تلاق می کند؛ خانه مانده که در فرقت عزیز بی الحزن و کاشانه بست که در ماتم جوانی مانمکنه نگردد، آه آه چه خانها خراب و چه اموال بفارت رفت؛ چه جوانان نو رسیده، و صنوبر قدان کام ندیده در زیر سم ستوران دشمنان انسانیت با حاک یکسان، و چه شیر مردان و زن از ضرب گلوله های آتشین اعادی آسایش با خونهای خویش سلطان گشت؛ چه خونها سگ، و چه عرضها متک، حقوق و نوامیس ملت (که ودایع خداوندی هستند) از تجاوزات بیشرمانه و تعدیات طالمه مشتی حشرات به اهون ترین حالی ضایع دودمانهاییکه توسعه ماشی بخراخور احوال داشتند، امروزه محتاج مان بومیه هستند کسانی هم که از دم دندان آن گرگان آدمی خوار رهائی یافته اند، هر آئی از تهاجم بدبختی و تزیاد ناتوانی و فلاکت، و شرمندگی از دیدار عیال و اطفال بیگناه هر دمی مرگ را خواهند؛ و آنانی را که پدر در میدان مجاهدت جان باخته و روزگار شبانیدی برویشان نشاند حال با هزار ذلت و خواری در سایه جراح خالو و عم، و بلکه درین دیوارها و یا در شوارع و معابر عام دست تکدی بسوی این و آن دراز و بان روزگار خود را سرمیدهند

خدا را این است حقوق شناسی؟ این است قدرتانی؟ این است قیمت آن جانهای تابناک؟ این است ترضیه آن ارواح باک؟ نه بلکه حق این است، امروزه که دوره نکبت و اسارت، سپری و نهال آمال را موقع ثمر دادن رسیده، فریضه ذمه هر صاحب حس و وجدان است یکساعت بیشتر تدارک موجبات آسایش و امر معاش بقایای شهدائیرا که این همه سعادت و نعمت از جریان دماء پاک آنها میسر

و انهدام و تخریب حصن استبداد از صدای فکهای دشمن شکار آنان بوده است و جبهه همت بازند.

### حبل المتین

هرگاه ایرانیان خارجه و داخله را حس نوع خواهی یا مدرك ترقی جوون بود میداستند این سعادت و نیک بختی که امروزه مرایشان را حاصل گردیده از برکت آن شهدائیست که فرزندان شان امروزه از گرسنگی مانند جوجه مرغ برهم می لرزند شبها سر بی شام به زمین می گذارند از سرما خواب و آرام ندارند آیا منی قدرتانی همی است که در چنین موقعی ما ایشان را فراموش نمایم، تصور باید کرد که آیا پدر و برادر و شوهر و فرزندان ایتم و ارامل تبریز که علم بھرا خورده و جان باری کرده تا این شاهد مقصود در آتش ما آمده دوباره زنده شده که ایتم زنان بیوه و فرزندان خود را پرستاری نمایند، ازین سعادت و نیک بختی که از برتو وجود آن شیرینندان شریک برای فرد فرد ملت رخ نموده جز گرسنگی و پرستاری و فلاکت حصه بازماندگان آنها چه شده است، بزرگترین ننگ های تاریخی بلکه نامسلان برای ایرانیان همین عدم قدرتانی و توجه بطرف بازماندگان و محس زادگان حریت ایران است

عجبا جرائد ملیه مانجات تمدن حیات مجلس ایران نو، و و و که ضامن سعادت وطن و راه نمای ملت اند چگونه تاکنون ازین نکته معتنا صرف نظر نموده اند؛ امروز باید جمیع حراند ملیه یک زبان توجه ملت را بطرف آسایش بازماندگان شهدای وطن معطوف دارند و انجمنهای ملیه اعم از خارجه و داخله باید بسوی این افضل الخیرات توجه نمایند در آغاز حگ تبریز برخی از مقدسین و متدینین چنان تصور می نمودند که هرگاه درین طریق اعانه نمایند شاید صرف قتال بین المسلمین گردد امروز بحمدالله رفع آن اشتباه و اشکال یز شده است خوب است در پرستاری ارامل و ایتم شهدای وطن حالا دیگر اندکی صرف توجه نمایند - از وعده کنندگان رنگون با آن همه آب و تاب استقامت می نمایم که حالا دیگر بوعده خویش وفا نمایند خداوند حس دیانت خواهی و وطن پرستی بایرانیان خارجه و داخله عنایت فرماید

رفع اشتباه

کتابخانه نیز تصدیق و ضمانت می کند که وجه ابونه را با دو قسط در هر شش ماه با داره جنت جراید برساند.

( توضیح ) این ترتیب برای آن داده شده که هرگاه یکی از جراید در عرض سال بواسطه وقوعات و حوادث داخلی و خارجی دچار تعطیل و توقیف بشود آن وقت کتابخانه مسؤل وجه ابونه مشترکین نگردد

( مدیر و مؤسس میرزا عبدالحسین عبدالله زاده )

اعلان

بموجب (دگری) فیصله (۱) شماره ۱۷ بابت ۱۹۰۷ اطلاع داده میشود که جمیع طالبکاران و غیرهم که دعوی و حتی بر متروکات حاجی مهدی بنهادی متوی ساکن ۵۴ ونکتناسای - مستری استریت - متهیالیت - مدارس ، دلال نیل ( که ۲۴ اکتوبر ۱۹۰۶ وقت نموده و وصیت زبانی او را در عدالت عالیه مدارس بتاريخ ۱۸ دسمبر ۱۹۰۶ خان بهادر حاجی محمد عبدالعزیز بادشاه صاحب قونسل دولت عثمانی و شریک بزرگ جنابان حاجی محمد بادشاه صاحب و شرکاء ساکنان نمبر ۸ والابا - اگرها رام استریت - تربیلینک مدارس وصی متوفای مذکور بمحل اثبات رسانیده) داشته باشند کیفیت و تفصیل دتوی خود را تحریراً و ملفوقاً بنام دستخط کننده ذیل که سالیستری وصی مذکور است پیش از ۱۷ مارچ ۱۹۱۰ فرستند که بعد از انتصای این تاریخ وصی موصوف تقسیم متروکات را به حقداران خواهد نمود، و فقط نظر به دعاوی و حقوق آنها خواهد کرد که پیش از تاریخ مذکوره اطلاع حقوق و دعاوی خود را خواهند داد - و بهیچوجه وصی مذکور ذمه دار حساب دادن متروکات بآنها نخواهد شد که قبل از تاریخ مذکور اطلاع حقوق و دعاوی خود را نموده باشند - مرقومه ۲۵ ستمبر ۱۹۰۹ ( دستخط - اتونی وصی )

نمبر (۱) آرمین استریت - جارج تاون مدارس

اخبارات خارجه

متر اسکوت رئیس الوزرای انگلستان بی خبر روانه ( بالورل ) شد چه اعلیحضرت ادورد همتم تلگرافاً او را طلب فرموده اند ازین ملاقات چنان متذاد می شود که ساعی در وظیفه

نظر بر اینکه از طهران روزنامه تلگراف رسیده که جناب ناصرالملک یکی از قبول وزارت امتناع کرده است ولی بایران برمی گردند ممکن است این خبر عدم قبول وزارت ایشان را در داخله و خصوصاً در خارجه بعضی ها بی جبهه دلیل بر یأس از امور ایران بقلم بدهند و با شاخ و برگ اسباب بی اعتباری اوضاع حالیه را نشان بدهند ما عین مسروحه را که جناب ممتازالسلطنه وزیرمختار پاریس مارانسا تلگراف داده و انتشار یافته درج می نمایم

ترجمه از اخبارات فرانسه

چون خبرنگار روزنامه طمس از طهران خبر داده است که ناصرالملک بعد از تغییرات آخری رئیس الوزرا شده بود از قبول وزارت استعفا کرده است ولی عازم ایران میشود لهذا وزیرمختار ایران در پاریس شرح ذیل را با بیان کرد

ناصر الملک با وجود ناخوشی پسرش که مانع از حرکتشان از فرنک بود عازم ایران شد دلیل بر این است که میل کامل بر این دارد که خدمت باساس جدید ایران بکند و برای حسن مال و نتیجه آن جداً اعتقاد محکم دارد و با اظهار میل شخصی خود بر اینکه از دور وزارت قبول نکند ناصرالملک نخواست است که امتناع از آن بکند بلکه همین قدر می خواهد که در ورود طهران آزاد شده و در انتخاب شعبه که در آن بیشتر می تواند مصدر خدمت بشود مختار باشد و لاد معزی الیه در ایران خدمات بزرگ کرده و علوم و تجربیات خودشان را برای تأیید رجال هنرمند و سیاسی که اینک دارند امور ایران را با کمال نزاکت و فداکاری اداره می کنند تسلیم خواهد فرمود

اعلان

محض خدمت بابنای وطن مقدس و برای ترویج و تسریل معارف یک باب کتابخانه موسوم به ( آذربایجان ) در شهر تبریز مفتوح شده هر قبیل کتب ازلسنه مختلفه جلب و بقیمت مناسب فروخته خواهد شد .

وعموم مدیران جراید داخله و خارجه میتوانند وکالت جراید خودشان را بدانجا رجوع نمایند . و

شدن تقارین مجلسین ملی و سنا هستند.

جراند فرانسه می نویسند که اقدامات اسپانیا در مراکو برای مزید اقتدار خود است اگر اوتیرمسلك ندهد در مراکو فساد بالا خواهد گرفت و این خبر بصحت پیوسته که در خصوص جهاد در بعضی مقامات موعظه می نمایند

لارڈ لسدون را نیز اعلی حضرت ادورد همقم در (بلمورل) طلب فرموده اند و فرداشب روانه خواهند شد سفارت فوق العاده عثمانی وارد (ایوادیا) شد اخبار زیتنگ خبریاته که رفعت پاشا رئیس این هیئت را اختیار داده شده که مسائل قشونی و پلتیکی را حل نماید و یک عهد نامه بین روس و عثمانی در خصوص آمد و شد حجازات جنکی روس در آبهای داردنلز به بندد و ملاقات سلطان و امپراطور را هم کاملاً تدارک نماید

بوجب تلگراف بترسبرگ مناقشه قونسل آلمان و روس در هارین رفع شد بمذرت هر یک مردیگریا وقایع نکار طمس از (اتوا) خبر میدهد که حکومت (ستر هریس) رئیس تجارتي یکوهاما را سرزنش نموده که او برخلاف دیانت بزایونیان در تجارت الزام داده بود و قرار بر این شده که مخصوص از طرف حکومت خلی به یکوهاما فرستاده شود که در آن رسماً اظهار دارند که حکومت از الزامات مسر هریس بیزار است

دولت اسپانیا در ضمن فرستادن قشون به ملیلا دول اروپا را آگاه نموده که او را اراده نیست که در داخله مراکو تجاوز نماید و با شرایط عهدنامه الحیریا پای بند خواهد بود

بوجب تلگراف (ان) امروز مجلس ملی یونان منقذ گردید (میو روما) که طرفدار حکومت است رئیس مجلس ملی انتخاب شد. انقلابات حاکی رفع شده در انتظام فوجی هم وعده داده شده است

وقایع نکار طمس از نیویارک خبر میدهد که گویا امریکا بر معاهده چین و ژاپون در خصوص منچوریا عذر پیش نماید و چنان تصور می شود این عهدنامه مخالف است با مواد عهدنامه (پورت اسمت) مارنگک پوست را عقیده این است که سفیر امریکا را بدین سبب بواشنگتن طلب نموده اند و بر فصل

سوم و چهارم عهد نامه عذر خواهند نمود

تلگراف روتر راجع بایران

( ۲۵ رمضان - ۱۱ اکتوبر )

تبریز امن است ازین رو دولت روس مصمم شده که قشون خود را حرکت دهد و فقط دو کپانی پیاده و یک توپخانه و نیم کپانی مهندسین را در تبریز گذارده بقیه قشون خود را عودت دهد ( بموجب خبر مخصوص که از لندن با داریه رسیده دولت روس صریحاً قول داده که در عرصه دومه تمام قشون خود را حرکت دهد و فقط چهارصد نفر از هر جهت باقی گذارد تا بامتداد امنیت اطمینان حاصل نموده آنها را نیز طاب نماید )

ترجمه از گرافک لندن

حکومت جدید ایران مجد است که دولتین روس وانگلیس قشون خود را بیرون بفرستند انگلیسها تا درجه راضی اند ولی روسها هنوز قدری عذر دارند و انگلیسها هم نمیخواهند بآنها زور بیآورند که البته قشون خود را خارج نماید

آنچه به تحقیق پیوسته ملتیان ایران در منتهای لیاقت و کردانی انتظام امور و ترتیب ادارات را میدهند و قسمی نگرانند که هیچگونه ازای از دول همجوار بر آنها وارد نیاید

نایب السلطنه نلامرضا خان عضد الملک درین امر خیلی سعی و مورد همه قسم تسجید ایرانیان گردیده و تا کنون در رجال ایران کسی باین حسن قبول دیده شده است

حبل المتین

ما با این گونه تلگرافات نمیتوانیم قلب خودمان را از جانب دولت روس ساف نموده خوشوقتی خویش را از دولت همسایه ( که خیلی مرابط بیکدیگر و محتاج بهم هستیم ) ظاهر داریم چه اولاً دخالتهای مسلحه همسایه را در ایران مرکز مبنی بر ضرورت نمیتوانیم قرار دهیم و بر فرض هم که ضرورت گفته شود یعنی بزور با بگویند که شما تفهید باید امروزه به تصدیق خودشان هیچ گونه ضرورتی باقی نمانده و ما میتوانیم امنیت این سه ماهه ایران را که دولت جدید تشکیل یافته ترجیح بامنیت ممالک روسیه بلکه بر بسیاری از ممالک سائره بدهیم با اینکه هیچ قسم اسباب برای دولت جدید میباید

سود خزانه خالی مملکت بر انقلاب قشون خارجه  
ار چهار حسب داخل مملکت اجانب در کار بهانه  
جوئی درین صورت آیا تصور می شود که بهتر  
ارین سوار مملکت وسیعی را انتدای نمود ؟

آن درین مسأله همسایگان در حرکت دادن  
قشون خود ار ایران ممکن هست تصوری جز  
بهانه جوئی نباشد . آیا ممکن هست که تاوقتی يك  
هر ار قشون همسایه در حاک ایران باشد قلوب ملت  
ار همسایگان صاف شود . آیا تصور می شود که  
تاوقتی همسایگان دره محقوق ایرانیان تجاوز داشته  
باشند ماب ایرانیه ار تشبثات باز آیند ، آیامیتوان  
خیال کرد که مقام منبع ریاست روحانی اسلامی  
در قبه قشون احب که سر تا پا مضرت رسان بحال  
اسلام است بش ارین صبر و سکون و شکیبایی  
باید

ما دولتی روس و انگلیس را تا يك سربازشان  
در ایران باشد صافی او ند نتوانیم گفت

ایران این نکته را داشته اند که برای بهانه  
قشون همسایگان قوی بح ده سرباز و هزار سرباز  
يك حاک را دارد و اریکه يك حصه از قشون  
خود را ندارد اند در مواقع مقتضیه از بهانه جوئی  
مصون سواستمداد لذا از پای خواهند نشست تا آخرین  
سرباز و سوار خارجه را از کایه وطن خود خارج  
باید و یقین داریم هرگز باین جزئیات که در  
حکم مازی سبب است روی رضا نشان خواهند  
داد و ملتفت خواهند بود که بلیک بجای چهار  
پهلوی چهار صد پهلوی دارد

تذکره جناب صولت الدوله قشقائی

( باجمعی ولایتی اصفهان )

حضور محترم ائمه انجمن ولایتی دامت توفیقاهم  
بر عموم ملت خاصه بر آمان که نزدیک و از حاکم  
مسبوق اند آشکار است که بر سرم چه آمده و در  
راه اساس مشروطه جانها و مالا در راه گذارده ام  
ولی افسوس که ازب حسی اهالی فارس بوجه اکل نتوانست  
خدمت نماید و آنها بیکه مشروطه خواه بودند گرفتار  
طالبان بوده و حالاهم هستند، چون جهت گناهکاران  
مکافات ندیده بشک طرف محبت واقع شده اند قوه  
تکلم ندارند، ولی این بنده چون جهد کرده است  
که در راه وصول محبوب حقیقی تا آخر قطره خون  
خود قدم بس نگذارد و جز از قادر ذوالجلال

واهمه در دل ندارد و بهیچ حکمی هم خود را  
محکوم نمیداند جز حکم قانون مقدس، و بنا بر این  
استدعا می نماید که سی نمایند هر قدر زودتر تشکیل  
مجلس مقدس دارالشورای ملی بشود که تکلیف عامه  
مشخص باشد منتظر جواب است ( اسمعیل قشقائی )

جناب صولت الدوله

جناب صولت الدوله . سابقاً هم اشاره نموده ایم  
این خوشنمای که حامی استبداد بشمار نیستند در  
تاریخ ایران برای خود محظوظ دارید حرکات  
جناحالی اولیای ام -ور و ایالت جلیله فارس را  
مجبور داشته با آن همه احکام اکیده مقام منبع  
ریاست روحانی اسلام در حق بنی القوام با آنها  
مدارا نمایند، امروز چه رحمت سیاست چه رحمت  
دیانت بموجب احکام حضرات آیات الله بر اقدامات  
شا حکم افساد می رود، و جلوگیری از آن واجب  
می آید . شا اولاد این حاک پاک هستید خوب  
است موقع و مقام را ملتت باشید شا که دیانت  
شعارید خوب است مفهوم احکام آیات الله را ملتت  
شوید، کاری نکنید که نام نیک شا به بدی سر  
شود، بدبختانه در حراند خارجه که دیروز دزدیهای  
فارس را به دشمنان شا نسبت میدادند اینک بشماراجع  
میدانند محبتی که از شا در قلوب عامه جای گرفته بود  
کم کم دارد زائل میگردد به ترسید از آنکه از مقام  
منبع ریاست روحانی حکم صریح در حق شا صادر و  
اولیاء دولت مجبور بجلوگیری از شا شوند رحم بر  
جوان خود ننمایند رحم بر خوشنمای خویش  
فرمائید ارکان استقلال وطن را متزعزع مسازید و  
درین موقع نازک بهانه بدست اجاب مدهاید دشمنان  
بدنام خود را خوشنام مکنید و تکلیف نهم بردمان  
فهمیده ایران نماینده مشروطیت خواهی امروز در  
اداعت او امر دولت است و معنی دیانت پیروی از  
احکام عمومی و خصوصی مقام منبع ریاست روحانی  
اسلام است و بس

انا لله و انا الیه راجعون

جناب حاجی محمد کاظم تاجر اصفهانی که غم  
ایرانیان کلکته و از متدینین و بسیار خوش نفس  
بود در حالتیکه بالغ بر هفتاد مراحل زندگانی را  
با کمال نیک مای طی نمود یوم شنبه سلخ رمضان  
المبارک این دار فانی را وداع و به بهشت جاودانی  
خرامید رحمة الله علیه رحمته واسعه

(جل المبین کلکتہ)

مدیکل کالج لائسنس نمبر ۴

HABIBUL MAJIN OFFICE  
1 MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)

مدیر کل مؤبد الاسلام است

# المبتین

(قیمت اشتراک)

(سالاہ - شش ماہہ)

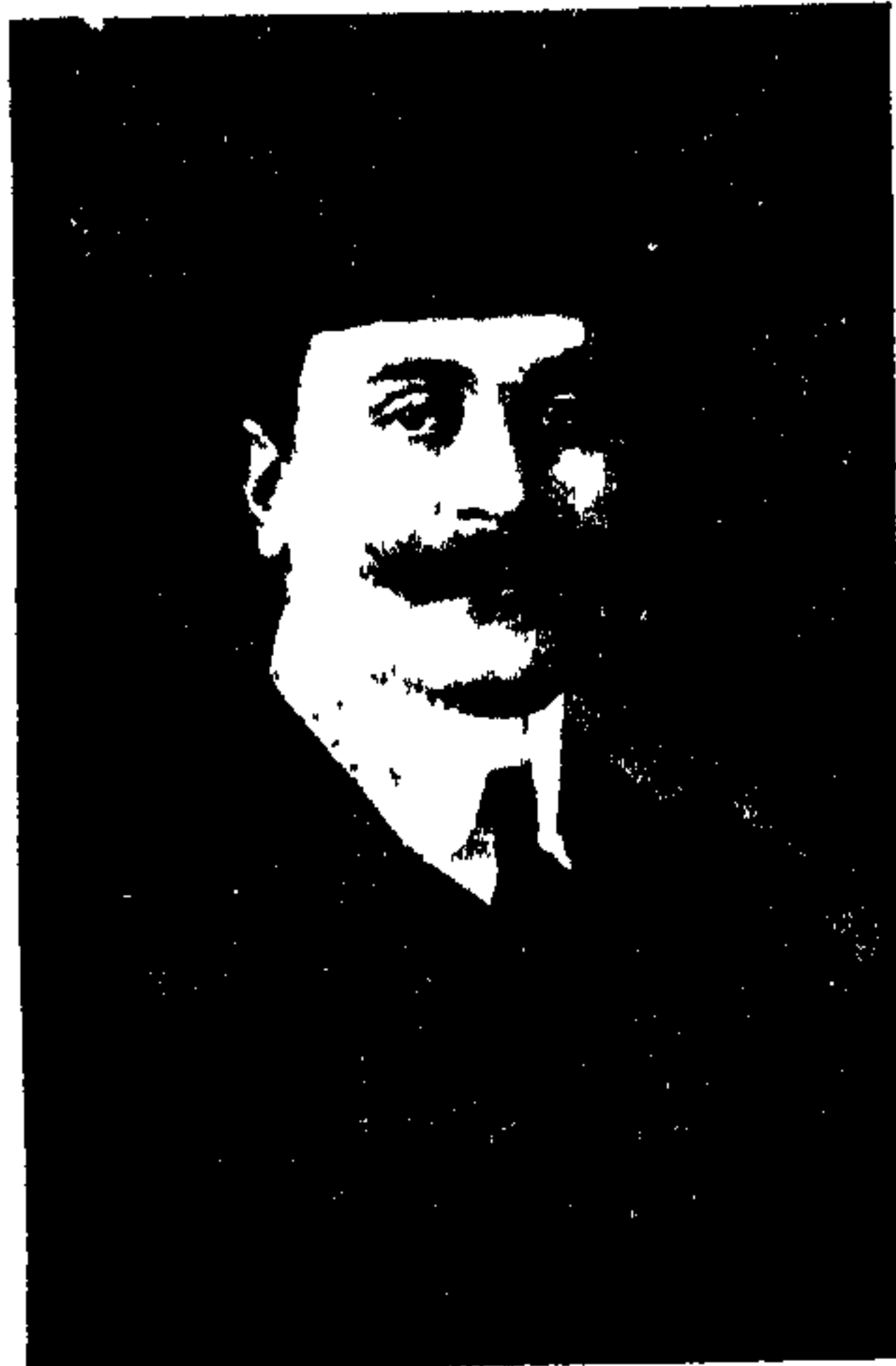
(ہند و برہہ)

(۱۲ روپیہ - ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران - ۲۵ قران)

جناب مستطاب اجل اکرم آذی محمد خان ممتازالسلطه وزیر مختار دولت علیہ ایران در پاریس



سالروز انتقال  
مؤبد اسلام لائسنس نمبر ۴  
پریس ایم ای کتب ۱۹۱۰

حاجی صیدی مشروطیت و خادم حقیقی وطن بیکانه دیپلمات ایران . . . . .  
 این وجود باز یافته بسمت مستشاری سفارت چند سال در پترسبرگ مامور و همین ایام با بی اختیار  
 منہای سی و در عدم استقرار از روس نمود که بدبختانه بی اثر و نتیجه ماند، از آن بعد بوزیر مختاری  
 هلاند منتخب و در همان ایام بزرگ ترین خدمات ملی را در انجمن صایب احمر (که آنچه راجع به ایران بود  
 به شیر و خورشید احمر تبدیل یافت) کرد، سپس بوزیر مختاری پاریس ممتاز و در کافرس دوم لاهی  
 نه تنها خدمت ملت و دولت ایران نمود بلکه شرانت و امتحان تاریخی برای کلیه دول آسیائی برقرار ساخت، چون  
 خدمات ذیقیمت ایشان هر یک بوقت خود در جل المبین درج شده در اینجا شرح و بسط میگذریم و فقط  
 محض تجدید مطلع آنچه همان ایام، اول سیاسی ایران مرحوم برس ملک خان تمام الدوله در موضوع به اداره نوشته  
 یاد آور میشویم «ممتازالسلطه در انجمن لاهی نه تنها برافتحار دولت ایران افزود بلکه ایرانیان را در جمیع ملل  
 و دول سربلند ساخت، این دوره در نمایندگان خارجه ما کسیکه خدمت تاریخی بوطن خود کرده ممتازالسلطه است»  
 شهادت ما در حق این وجود مقنم این است «در تمام نمایندگان خارجه ایران از آغاز مشروطیت تاکنون  
 کسیکه یا صنای نیت و خلوص تعهدت بدون هیچ نرض و طمی بلاخوف از هیچ زبان مالی و جانی در  
 طریق وطن خواهی خدمت نموده ممتازالسلطه است»  
 چون فعلاً در سرخدمت، و نزاکت سیاسی مانع از افتاء خدمات ذیقیمت ایشان باساس مشروطیت میباشد  
 همین جله اکتفا می نمایم - بهمان اندازه ای که در داخله شمشیر مجاهدین و قوت بازوی سرداران ملی باساس مقدس  
 مشروطیت خدمت کرده در خارجه خدمات سیاسی و مدافعات فلسفی و تدابیر فکری ایشان و چند نفر دیگر  
 خدمت کرده است «ممتاز (منم بشکرالناس ہم بشکرا لله) نامه مقدس که لسان گویای ملت شلخته شده خدمات

تلگرافات روتر راجع به ایران

( غره شوال - ۱۶ اکتوبر )

بموجب تلگرافیکه از پترسبرگ رسیده يك توپخانه و دو کب-ان قشون روسی از تبریز دیروز روانه سمت قفقازیه شدند

( ۵ شوال - ۲۰ اکتوبر )

بموجب تلگراف پترسبرگ بقیه قشون روس از تبریز روانه بجهت تقطیس گردیدند

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که هر ار نفر قشون روس تحت امر کرنل ( شاپلین ) در موسم زمستان قیام در تبریز خواهند داشت

( ۸ شوال - ۲۳ اکتوبر )

سر ادورد ری وزیر خارجه انگلستان در ضمن نطق خود که در ( شینلد ) داده اظهار داشته که اوضاع خارجه تا حایکه تعلقات ما مربوط بآمراسب اطمینان بخش است، مسئله جزیره های بانکان و ایران بدون هیچ مخالفتی ب اروپایان فیصل یافت و این بهترین علامت صلح و سلام برای آینده است . اگرچه انقلابات مراکو رفع شده است ولی چندان محل خوف نیست ، کسیکه میگویند وزیر خارجه باید در امور هر دولت مداخله نماید رأیشان بصواب میباشد در مسئله الحاق مملکت (کانادو) دولت انگلیس رضا نخواهد داد تا وقتیکه دولت بلژیک دو مسئله را جواب شای بدهد ، یکی بجهت عوارص رعایا را بخدمات جبری نمایند یا نه ؛ -

دوم آنکه آیا ( کانگو ) برای تجارت عموم دول مفتوح خواهد بود یا خیر ؛ و هر گاه حالت کنونی تا دیر باز برقرار ماند معاملات خیلی نازک خواهد شد

( ۹ شوال - ۲۴ اکتوبر )

حکومت جدید یکصد قزاق و سیصد سرباز و دو عراده توپ برای تأیید ستارخان در برقراری امنیت باردیبل فرستاده است

حبل المتین

همایه شاهی ما دولت اخیمة روس باید بداند که علاوه بر حقوق همجواری احتیاجات او بایران و ایران باو عقلاً و سیاستاً این دودولت را مجبور بخلوص و منای نیت دعوت میکند و طبعاً جالب اتحاد این دو ملت است، و این نکته را هم نباید از مدنظر دور داشت که ایران کنونی را نمیتوان

بایران قبل قیاس نمود که بشرف دست و مرعوب ساختن میتوان از آنها فائده برداشت، امروز اقتضای از ایران منحصر در جلب قلوب ایرانیان و بروز خلوص نیت و صفای عقیدت در کارهای رای راجحه بایران است ، امروز نمیتوان بایرانیان تکلیف ضمنی نمود چرا که آنچه باید بفهمند فهمیده اند ، امروز پیشرفت مقاصد سیاسی و اقتصادی در ایران بشار صدر اعظم و وزیر خارجه صورت نه بندد و فشار بیک ملت بزرگ بیدار هم مشکل است ، این نکته را هم نباید فراموش کرد که تلافی احتیاجات خود را ایرانیان بوجه احسن از دیگران میتوانند نمود برخلاف روسها که نمیتوانند رفع احتیاجات خود را از ایران به نمایند، چه احتیاج ایرانیان بروسیه من حیث الصناعه است و احتیاج روسیه بایران من حیث الزراعه . ایرانیان میتوانند بصناعات داخلی خود قناعت نمایند و یا تمام ابدل او را از ملل دیگر بگیرند که مقرون بصرفه اقتصادی هم باشد برعکس روسیه نمیتواند قناعت کند و یا رفع احتیاجات خود باصرفه اقتصادی از ملل دیگر نماید پس ازین بیان میگوایم که منابع اقتصادی و سیاسی روس منحصر درین است که در جلب قلوب ملت ایران بکوشد و آن دریکه درین چند ساله از خشونت و بدمنشی مأمورین روسیه در قلوب ایرانیان حسی گرفته زایل نماید، و زخمهای درونی ملت ایران را مرهم نماید تا نملک باشد و این منحصر است براینکه نشون خود را که بدون ضرورت وارد ایران نموده بود و بدون جهت در ایران گذارده طلب نماید تا الزام بهانه جوئی و عهد شکنی باو داده نشود .

دولت روس اول و آخر باید نشون خود را از ایران خارج نماید نهایت چند صباحی دیگر به بهانه های مختلفه بتواند قیام آنها را امتداد دهد، ولی نتیجه قیام قشون وی آن خواهد شد که اگر کار رنگ دیگر پیدا نه نماید روز افزون نفرت روسیان در قلوب ملت ایرایه بقسی زیاد خواهد شد که زدودنی دشوار باشد و برعکس محبت ربای روس در قلوب ایرانیان جای خواهد کرد و ما با یک حق منصفانه اولیای دولت روس را متذکر می شویم که در قیام قشون خود بایران جز نفرت قلوب و بدنامی سیاسی و شهرت بدعهدی و بدقولی هیچ نتیجه حاصل نتوانند نمود، چون قیام قشون روسیه در ایران غیر از



بی قراری ملت که نتیجه اش عدم اطمینان و امنیت عمومی باشد نوری بر آن مرتب نیست و ایرانیان این نکته را حل بر بدینق ووسیان می نمایند و زبان این امر برای روس قطعی است

ایرانیان نیز باید بدانند که برای بهانه جوئی سیاسی ده نفر قشون خارجه هم کافی تصور می شود هرگز نباید تا بگذر از قشون همسایگان در ایران موجود است آرام گیرند، واین جزئیات قناعت کنند

یک از بیانیهای سیاسی روس

( در قیام قشون خود با ایران )

نکته که سرآ اسباب بهانه روسیان شده موجودی قشون عثمانی هم در سرحدات آذربایجان است، بقیده ما اولیای امور راست که جداً در بهانه مسئله سرحدی با دولت عثمانی بستن و چون دولت جدید عثمانی چشم از اجحاف و زیادتی پوشیده و در مراعات اتحاد اسلامی متها درجه سی را دارد دوستانه فیصله مسئله سرحدی در متهم ای سرعت تواند شد، مشروط بر اینکه ارفع الدوله را از اسلامبول جاب نمایند، چه وطن فروشی اودر هر مسئله آتانی و براحدی پوشیده نیست، و چون وطن فروشی سرشت اوست و ده ملیون نروت و این همه شئونات و اقباب را در سایه وطن فروشی حاصل نموده محال است ترك این صفت گوید، که بزرگان گفته اند ( توبه گرك مرگ است ) و

هرگاه امروز جلب ویرا صلاح نمیدانند و تغییرش مناسب نباشد در فیصله مسئله سرحدی بریدج وجه او را مداخله ندهند که غیر ممکن است با دخالت ارفع الدوله تصنیه امر سرحد از روی شرف بشود غرض این است که ابواب بهانه را از هر جهت باید بروی روس بست، و یکی از بهانه های روس همین تجاوز قشون عثمانی بسرحد ایران است، اولیای دولت باید برای تصنیه سرحد کمیسیون عالی تشکیل ر از اولیای دولت عثمانی هم بخواهند که سرحدات ایران را تخلیه نمایند تا بهانه سیاسیهم رای روس باقی نماند

و باز تکرار می نمایم که ایرانیان تا وقتی يك سراز خارجه در ایران باشد نباید آرام گیرند و هیچ گونه فداکاری باز ایستند و این نکته ز نباید اختصاص بروس داشته باشد، در اخراج نون انگلیس هم در وطن عزیز خود نباید ترك يك مستقیم گویند، در معاملات سیاسی و اقتصادی

اعتماد با اتحاد مذهبی و دوستی غلط است، که ماراست که در حفظ حقوق سیاسی خود يك مسلك مستقیم بسیار متینی در مقابل جمیع همسایگان خود اختیار نمایم درحالیکه باتمام آنها نیز دوست و متحد باشیم درین موقع از اولیای دولت علیه عثمانی

استدعا می نمایم که در فیصله امر سرحد دولت جدید ایران را تأیید نمایند، در رفع بهانه جوئی از سایر همسایگان، و میتوان گنت تصنیه امر سرحد امروزه بزرگترین تأییدات دولت عثمانی با ایران در اخراج قشون خارجه خواهد بود و همین نکته بالا صاله يك سبب عمده در اتحاد اسلامیان عالم خواهد گردید

بقیده ما امروز پیش نمودن مسئله رعیتی ایرانیاییکه از امهرات عرباند تولید يك اختلاف عظیم تواند نمود اگر چه میدانیم این مسئله را امروزه بحیالات بسیار دور و دراز ارفع الدوله محرك آمده است و ما عنتریب درین موضوع شرح و بسط خواهیم داد، و عات تحریرات سری او را بصورت خبرخواهی خواهیم نکاشت، ولی درین موقع همین قدر میگویم که دامن زدن این نیران منافرت بخش را در دوره استبداد عثمانی هم صلاح ندیدند، امروز هم گویا مناسب نباشد، ما از اولیای دزات علیه عثمانی استدعا می نمایم که در اجرای این امر نفرت بخش نظر نانی بفرمایند

باز هم در علاج واقعه قبل از وقوع میگویم در اتحاد ملی که سرمایه جمیع سعادات شناخته شده مکرر بحث نموده ایم و چون این مسئله از بدیهیات اولیه است چندان لازم بشرح و بسط نیست، فقط چیزیکه درین موقع ما را مدنظر و توجه جمیع سیاسیون عالم نیز معطوف بر آن است همانا اتحاد رؤسا و امانا و وزراء دولت است که شالود اتحاد سایر طبقات هم بروی وی گذارده شده، خاصه اتحاد سرداران ملی و رؤسای مجاهدین است که امروزه کمال اهمیت را دارد، دانایان رموز و سیاسیون حسن استقبال و میزان لیاقت و قابلیت ایرانیان را اتحاد و اتفاق رؤسا قرار داده اند و اظهارات عدم اطمینان بامنیت ایران نیز مبنی بر همین نکته است، چه باتفاق دانایان حکومت جدید و رجال کنونی ایران قابلیت و لیاقت خود را به بهترین وجهی ثابت نموده پس اظهارات رسمی و نیم رسمی همسایگان در عدم اطمینان بامنیت آیه ایران مبنی بر عدم اطمینان به اتحاد رؤسا و رجال دولت کنونی ایران است، خانه که از دست بگردد

میگوید سعادت ایران و سلامت استقلال آن منوط  
باتحاد رؤسا و سرداران ملی است و اظهارات سیاسی  
و غیر سیاسی در عدم اطمینان بامتداد امنیت ایران  
تمام مربوط بعدم اطمینان هم اتحاد است

باید دانست بی طرفی همسایگان در پیش آمد  
این تبدیلات با آنچه جدیدی که داشتند مبنی بر یک  
سپه سیاسی و خطای فکری بوده است یعنی تصور  
شان تمام این بود که بعد از قلع و قمع محمد علی  
اتحاد بین رؤسا و سرداران ملی قائم نمایند هرچ  
مرج پیش از بش مالا خواهد گرفت و بهتر و بیشتر  
سهانه دخالت برای آنها حاصل خواهد آمد و هنوز هم  
بهان امیدواری وقت میگذرانند و منتظر فرصتند  
امروز مواع اتحاد بلکه دوای اختلاف برای  
رؤسای ملت پیش از هر زمان است ، سرداران ملی  
و رجال دولت راست که پیش از پیش بر اتحاد خود  
ببغزیند و مذبذب بدمش و دورویان بد کیش را  
بخود راه ندهند و هر کدام که مصدر خدمت  
شده اند جداً آنها را دور نمایند

امروز جماعتی از نمایان را می بینیم که در سلب  
اتحاد رؤسا دارند کار میکنند. و دستهای خارجهم  
یعنی ایرانیان خارجی پرست در برهم زدن بساط  
اتحاد کوشانند و بواسطه نمایان مستبد و مذبذب  
دور و نزدیک دارند بذریعہ عوام دوای اختلاف  
را فراهم می آورند ، برای نهادن بار کدورت  
در قلوب رؤسا در جراند خارج دارند یکی را  
نم بدون سبب و دیگری را مدح بلاجهت می نمایند ،  
بالش نرم زیر سر یکدیگر نهاده تخمه از زیر بی  
ری می کشند و بواعید عرقوبی شیر به برخی  
پستانها می آورند ، باید دانست که اینها تمام وسایل  
بلتیک است که صدها مقاصد خود را حاصل نمایند ،  
همه میدانیم که محمد علی را باین روز سیاه نه نشاند  
جز بالش نرم همسایگان، سابق نوشته ایم که استقلال  
دردوستی سیاسیون تنها نمودن غلط است ، امروز  
در جزئی اختلافی که اسباب اختلال گردید پیش از دوره  
محمد علی اسباب دخالت بهانه جویان فراهم خواهد شد  
و بیشتر هم بهانه بدست همسایگان خواهد

یکی از جراند معتبره فرانس مینویسد که در  
حلقه سیاسیون دوره کنونی ایران را دوره امتحان  
میگویند، هرگاه دولت جدید درست از عهده امتحان  
و آمدن هم مطلوب ورنه فوراً دوره دیگری پوی  
کند خواهد آمد که ممکن است خدنی استقلال ایران را

وداع گوید ، بقیده ما امتحان دولت جدید همانا  
اتفاق واتحاد بین رؤسا و رجال است که در خیر  
ملك و ملت صرف نظر از اغراض شخصی نمایند  
اگرچه تاکنون بحمدالله بهترین اصول اتحاد بین  
رجال دولت جدید قائم است ولی باز هم دانشندان  
نباید از تذکره آرام مانند، چه مذبذبین و اشخاص  
دور رو را علناً می بینیم که دارند همه قسم دوای  
اختلاف را فراهم می آورند، لذا باید بمناسبت علاج  
واقعه قبل از وقوع با کمال ممانعت گفت و بامتهای  
رذات جلوگیری از نمایان و مذبذبین دورو نمود  
هرگاه بدره بی درایت بنگریم خواهیم دید که  
دستهای عدیده متحد شده در انداختن انقلابات  
داخلی و بدنام کردن در خارجه بر علیه دولت  
جدید دارند کار میکنند

امروز هیئت مستبدین با آن نروتهای هنگفت  
در اروپا منتشر شده بقوه بول بی بی بر برخی از  
جراندرا در رفتار خود ساخته هر خرافاتی که میخواهند  
اشاعت میدهند. و مذبذبین دورو هم از یکسو در فراهم  
آوردن اسباب اختلال داخله و در تخیل اتحاد رجال  
دولت سالی و از طرف دیگر اطلاعات دروغین بمستبدین  
خارج میدهند، کوهی را کاهی و قطره را دریانی  
در عالم اشاعت مینمایند البته روزنامه طمس و اخبار  
شرق از نظر اولیای امور گذشته که چه مینویسند،  
تا جائیکه اخبار شرق مینویسد و اولیای دولت جدید  
هیچ نظری خارج طمس را ندارند و از زوایای  
مملکت بی اطلاع فقط باسیم تلگراف وقوه الکتریکی  
توپ و آتش مینویسند یک مملکت وسیعی را امنیت  
بخشند و بی اهلی را بجانی رسانیده مینویسد قتل  
و غارت اطراف و عدم امنیت ملی و جانی درین  
دوره پیش از دوره محمد علی و علت هم دو امر  
است - یکی بی پولی دولت - دوم خود خواهی  
رجال و عدم اتحاد رؤسا

اگر چه جواب این خرافات را غیرتمندان با  
سیاست داده و میدهند ولی غافل نباید بود که  
همسایگان و همسایه پرستان و مذبذبین خارجه و داخله  
در کار حیل اندازی اند و هرگز نباید از اثرات  
سیاسی احراماتی که از طرف دولت روس در ادیه  
از محمد علی شده غافل ماند، و بزرگترین وظیفه  
رؤسای ملی است که دورویان و مذبذبین بدمش را  
که خود بهتر می شناسند از سرکار دور دارند که  
کتر و از های دولت افشا شود

باز هم میگویم ایران محتاج  
(بمستشارهای خارجه است)

از ده سال باین طرف بارها این مسئله را  
چهارالتمین موضوع بحث قرار داده، ظاهراً است که  
در دوره استبداد شنوان از نکارشات خیرخواهان  
منصور نبود، در دوره مشروطیت نیز باین نکته  
خیلی زور دادیم و در مجلس مقدسهم موضوع  
بحث آمد و وکلا بر اصل مسئله متفق الی شدند،  
چون غالب وزرای مذذب بروی کاربودند کاری انجام  
نگرفت، اینک نیز که سه ماه است حکومت جدید  
بروی کارآمده هجوم مشاغل اولیای امور را گویا  
فرصت نداده که متوجه به این امر شوند، لذا باز  
درین مسئله تجدید مطلع نموده میگویم. که اولین  
و نایب اولیای امور این است که مسئله جلب مستشار  
های خارجی را موضوع بحث قرار دهند، ما هرگز  
نمیخواهیم قناعت نمود بر اینکه ادارات و وزارت  
خانهای ما بهتر از دوره استبداد باشد، ما هرگز  
نمیخواهیم خودمان را راضی نمایم که فقط با ادارات و  
وزارتخانهها یکصورت ظاهری داده شود، باید دانست  
که چهار میز و یک صندلی اساس ادارات ما را  
محکم نتواند کرد و اگر امروز قائل شویم که  
وزرای ما از عهده اصلاحات لازمه بیرون توانند  
آمد باید منکر صریح آیه شریفه شویم که میفرماید  
(هل یستوی الامی والبصیر. هل یستوالذین یعلمون  
والذین لا یعلمون) و نیز باید منکر حیثیات شویم  
و برخلاف عقلای جمیع عالم قدم زده و اصول  
ترقی ملل مترقی کنونی را بس سر انداخته و کور  
کورانه برای خود راه بیابیم، درین صورت بفرض  
محال که بمنزل مقصود هم برسیم قطعاً ره یک شبه را  
یک سال خواهیم پیود، ره چنان باید رفت که ره  
روان رفته اند، ما بدون رودرواستی نمیتوانیم هیچیک  
از وزرای خودمانرا در اداره خود مستقی از مستشار  
خارجی تصور نمایم، (ولو حضرت ناصر الملک باشد)  
نه خرضان باین وزارت بلکه هر یک از فضلالی  
ایرانیان امروزی که بسده وزارت درآید همان  
عقیده را در حق او خواهیم داشت  
گویا علت تاخیر درین امر هم دو نکته باشد  
یکی بی پولی دولت، دوم لزوم امضای کفالت آنها

وزرا شروع به بحث درین موضوع نمایند چهار ماه  
طول زمان میخواهد تا ضرورت پول پیش آید، و  
آنوقت هر فکری برای سایر مصارف شود بجهت  
این مدم خواهد شد، و نیز تا وقتی که مجلس  
مقدس منعقد گردد باید مقدمات این امر را وزرای  
محترم فراهم آرند و هرکس را از هر نقطه که صلاح  
داند لایحه کفالت او را مرتب نمایند تا بمجلس  
مقدس پیش شود

غرض این است اگر امروز این مسئله را موضوع  
بحث دارند بمشکل شش ماه دیگر مستشارهای خارجه  
ب طهران توانند رسید

در هر حال سرعت درین امر دو فائده دارد،  
اول اینکه هر روزی که مستشارهای خارجه زودتر  
ب طهران وارد شوند یک روز زودتر کارها تحت  
انتظام خواهد آمد، چون امروز آغاز کار است  
هر قدر مستشارهای خارجه زودتر بر سر کارها  
معین شوند سهالوده کار بهتر از روی علم گذارده  
خواهد شد و کاریکه از شالوده صحیح شود البته  
بیاش مستحکم خواهد گردید

دوم اینکه امروزه ما مربوط بخارج، هستیم  
و بدبختانه تا کنون ایرانیان کاری نکرده اند که  
اسباب اطمینان خارجه را بتوانند بخودی خود فراهم  
آرند و کارهای ما از خارجه وقتی تواند برآمد که  
محل اطمینان خارجه واقع شویم، و بزرگترین اطمینان  
خارجی این است که به پند ما از روی جدی و  
علم باصلاح کارهای خود شروع نموده ایم، و این امر  
منحصر بر این است که ما بحال با علم خارجه را  
بطریق مستشاری اجیر نموده معاون خود قرار دهیم  
برای اطمینان خارجه و اعتماد به کارهای ما در  
داخل و خارج، و نیز برای سد ابواب بهانه خارجیان  
بهر از جلب مستشارهای خارجی منصور نیست،  
هر قدر درین موضوع زودتر دست بکار شویم بهتر  
و زودتر کارها را از پیش توانیم برد

ولی چنانچه مکرر ذکر نموده ایم چند امر را  
اولیای امور لازم است از نظر دقت دور ندارند  
(۱) هرکس را بمستشاری انتخاب نمایند برای  
هر اداره کار کشته و معروف باشد

(۲) از دول مقتدر مجاور که اغراض مللک

(۲) بذریعه سزای خارجه در طهران مستشارها را اجیر نه نماید که در آتیه برای ایران دارای زیانات بسیار تواند گردید، دولت بذریعه سفرا و معتمدین خود حلب مستشار نموده و همانها نیز ضامن صحت عمل آنها باشند

(۴) مستشارهای خارجه که در ادارات وارد شوند دارای هیچگونه خود مختاری نباشند، یعنی معلم باشند نه رئیس، نوکر باشند نه آقا، و هیچوقت در کارهای آن اداره آنها را طرف با سزای دول قرار ندهند یعنی رسماً بحیثیت عهده باید نزد سفرا معرفی شوند، ورد احاب حرکات واقوالشان باید بکدفه عاری و خالی از رسمیت باشد

(۵) باید رسماً نوکر دولت شناخته شود یعنی در مواقع رسمیه باید با لباس و علامت رسمی ایران باشند تا از شئون ملی ما نکاهد

مقاله دومه دولت جدید ایران

(با محمد علی میرزا پادشاه مخلوع)

(ترجمه از زمکبه پست)

این مقاله (که خلاف دأب و آئین ملی) بلف فراوان نوشته شده از جایی مابندگان دولت جدید ایران امضا نموده و از طرف دیگر سزای دولتین روس و انگلیس - ضرورت این مقاله بواسطه آن شد که ملتبان ساعی در اخراج محمد علی از ایران بودند -

بناسبت مجلب روانگی محمد علی میرزا پادشاه مخلوع از ایران که در سفارتخانه روس باهنده شده و در تحت حمایت دولتین روس و انگلیس میباشد بموجب فصول ذیل مقاله بنده آمد

فصل اول - محمد علی میرزا اقرار مینماید که تمام جواهرات دولتی که نزد او بود باوایام دولت جدید سپرده، دولت ایران بعد از ملاحظه فهرست جواهر خانه و ائانه سلطنتی صورت آن اشیای کم بود یا آنچه تبدیل شده بسفرای دولتین پیش خواهد کرد، و سیرین مزبورین جداً از محمد علی باز پرس خواهند نمود که چه شده و بکجا رفته است، هرگاه از آن اشیاء نزد محمد علی میرزا یا اشخاصیکه در سنسارت روس باهنده هستند باشد یا جواسیکه

بهر قسم باشد از آنها حاصل نمایند -

فصل دوم - هرگاه در محکمه سفارتین مدلل شود که از سوم جولائی ۱۹۰۹ ( ۱۴ ج ۲ ۱۳۲۷ ) باین طرف محمد علی میرزا جواهر و اشیاء سلطنتی را فروخته یا گرو گذارده و یا سبب غایب شدن آن شده باشد قیمت آنها را از عین وظیفه محمد علی که دولت جدید خواهد داد منها خواهد نمود، و این در صورتی خواهد بود که عین مال دستیاب نشود -

فصل سوم - محمد علی میرزا حبیع نوشتجاتیکه درباره جواهرات دولتی بدست دارد اعم بر اینکه در بنک رهن نهاده یا امانت گذارده و یا بطریق شخصی نزد دیگری باشد باید بدوات جدید تسلیم دهد، دوات جدید در آرسورت مختار خواهد بود اگر بخواید آنها را بهر وسیله که مناسب داد بچنگ آرد -

فصل چهارم - دولت جدید ایران قروض شخصی محمد علی میرزا را که قبل از جنوری ۱۹۰۹ که دو کرور و چهار صد و سیزده هزار و چهارصد و سی و چهار تومان و شش قران و هشتاد و پنج دینار با سود بوده اعم بر اینکه از بنک یا رعایای خارجه باشد که قبل از سوم جولائی ۱۹۰۹ گرفته و وزیر خارجه از بخاره آن قبل از ۱۹ اگست مطلع بوده است، هرگاه صحت چنان قرض ثابت و مدال شود بر دمه حکومت جدید اتفاق خواهد گرفت - این حالات در ورقة جداگانه شرح و بسط داده خواهد شد که تا آخر اگست به امضا رسد -

فصل پنجم - محمد علی میرزا حبیع املاک شخصی خود را که در آذربایجان دارد بحکومت جدید تسلیم خواهد نمود و سینه نوشتجات این املاک را هم بحکومت خواهد سپرد و قبایه مخصوص نیز بنام دولت خواهد نوشت و نیز من باب مراغه که املاک او در بنگ دارد ورقة تبدیلی رهن را بنک بدولت جدید تسلیم خواهد نمود و من بعد هرگونه گفتگوئی در خصوص املاک پیش آید بحکومت ایران بحیثیت مالکانه تصدیه خواهد کرد -

مر شاه مقدم داده خواهد شد ، و شروع این  
ریزیه از روزی خواهد بود ~~سکه~~ محمد علی از  
خاک ایران خارج شود، و مبلغ مذکور بذریعۀ سنگ  
محمد علی خواهد رسید .

فصل هفتم . پس از مردن محمد علی بیست و  
پهزار تومان فقط به بازماندگان او ( جز شاه و  
وایعهد ) تقسیم خواهد شد و هر يك از آنها بپزند  
سرمیۀ آنان بدون آنکه دیاری بوارث آن داده  
شود قطع خواهد گردید .

فصل هشتم . بعد از امضای این مقاوله از طرفین  
محمد علی میرزا باید پس از چهل و هشت ساعت  
حرکت از طهران نماید

فصل نهم . کسائیکه در وزارت روس بحرم  
پلندیکی بنامندۀ اند و اسامی آنها در ورقۀ جداگانه  
در سیام شعبان وزارت خارجه ایران پیش شده  
میتوانند خود را آزاد نموده از ایران بروند مشروط  
بر اینکه دوباره بایران باز نگردند . و هر يك  
یک نفر وکیل نابت اوکاله مینمایند که بتواند در  
دعای مالی که بایشان دائر می شود جواب گوید،  
و يك نفر نیز از طرف وزارت روس در محکمه  
حاضر خواهد گردید که تصدیق نماید وکالت او را  
فصل دهم . هر يك از این مطرودین هرگاه  
مراجعت بایران نمایند هیچ وجه سفارت خاها از آن  
حمایت نخواهد نمود .

فصل یازدهم . نمایندگان دولتین روس و انگلیس  
ذمه گرفته که شدیداً محمد علی را منع نمایند که  
هیچگونه در معاملات سیاسی ایران دخالت نه نماید  
و سفارت روس ذمه میگیرد که باز دارد محمد علی  
میرزا را از دخالت در معاملات سیاسی ایران ، و  
هرگاه محمد علی میرزا ترك سکونت روسیه گوید و ثابت  
شود در خارج خاک روسیه اسباب انقلاب در ایران  
گردیده دولت ایران این امر را بسزا مدلل نموده  
میتواند وظیفۀ ویرا قطع نماید

و وقایع نکار درشت نویس

( درست گوی ما )

باز فیل ما را شور هندوستان بسرآمد، گشتم  
قدری دماغ و خاطر خود را آسوده نگاهداریم  
و گرد پاره خیالات سودا آمیز که جز ضرر و  
خسران نتیجه ندارد و غیر از تعب و خذلان بار

نیارود نگردیم ، یعنی دم فرو بندیم و قلم دوم  
شکنیم و از هیچ در سخن نرانیم شاید از شنیدن  
نکوهش آسوده بایم، ولی هیات هیات اگر روزگار  
چیز و کار و بار چنان است چگونه توان درکنج  
خوشی نشست و دم از سخن در بست، خاصه در  
وقتی که انسان از خیالات لا طایل و بندار مای  
باطل مبتلا باشد و سرش از شور ترقی وطن درد  
نماید ، آنچه را ~~سکه~~ بخیمال قاصر خود مان عین  
راحت پنداشته و اصل خوشی انگاشته بودیم نتیجه  
بعکس داد و عقده از دل محزون نگشاد بلکه غم  
بالای غم و حزن روی اندوه نهاد

( از قضا سرکه انگبین صفا فرود )

( روغن بادام خشکی مینه ود )

صاف بگویم و در پرده نگذارم کمان داشتم که  
در این شبر بزرگ که دهنة ایران و باب الابواب  
وطن ماست یک نفر پیدا شود که حق بگوید و حق  
بجوید و ره راستی بیوید، از تملق و دروغ احتراز  
بجوید، و باب مزاجگوتی نگشاید ( ولی خود تملط  
بود آنچه ما پنداشتیم ) یعنی همچو وجودی معدوم  
و چنین شخصی نامعلوم بود و اگر بود چهره  
گشائ جود و غم از دل زدود، هر هفته شرح ترقیات،  
تفصیل ثروت و همت و صورت اطلاعات بود که  
از این بندر مبارکه بقلم تملق زیم آقایان محترم سمت  
تحریر یافت . یکجا شرح اقدامات فلان و بهان ،  
یکجا شرح همت و بگذشت این و آن بود که صفحه  
چربیده را پر کرده و عرصه و فضائی برای يك  
سخن مفید که توان بحال این مردم بد بخت فایده  
رساند نگذارده و حال آنکه اگر وقتی از این  
کسوت مزاجگوتی و از این پیرایه ملاحظه خارج  
شده و از گوشۀ نظر يك آدم بیفرض و بیخیالی  
ملاحظه میکردیم میدیدیم همین نکارشات آقایان محترم  
يك سوء تدبیری بزاج جمع یخردی جاهل ~~سکه~~ کرده  
آنها را پایزاء و آزار مردم جورتر میسازد، و یا  
اینکه دیگر را بفروختن تکبر و ابزاز اقب شایخ  
توزیب مینماید و در هر دو صورت ضررش عاید  
بحال همین مردم ستمدیده است ~~سکه~~ ما آقایان  
وطن خواه ، ما دانشداران وطن ، ما طالبان ترقی  
اسلام که در هر جا سنگ خود طلبی و خود خواهی  
را از زیر پیرهن بسینه میزنیم حسب الظاهر میخواهیم

ترقی کنند. با همه حالی که داریم میخواهیم روزگار هم که تعلق بردار نیست با ما مدافعه کند و اقلأ اگر امریکا نشویم لابد ژاپون تانی بشویم و کتة العلیای اسلام را علو و استقلال بخشم - هرگاه قلم بجهت نوشتن چیزی جهت جراید بر میدارم حرفی را که حبل المتن تقریباً چهار سال قبل زده و این اواخر هم تکرار کرده پیادم بیآمد ( که جریده نکار در وقتیکه پشت میز تحریر می نشیند باید خدا را شاهد و ناظر احوال خود فرض کند ) و بی اختیار از احوال بعضی نویسندگان محترم و باره تازه ادبا میبخندم که این بیچارگان در وقت تحریر فقط ملاحظه میکنند که از خواندن نکارشاتشان چه اثری برزید و عمر و خالد و بکر حادث میشود. نه اینکه خدا را شاهد و حاضر بدانند، بلکه طرف مقابل خود را حاضر میخواهند، ~~که~~ اگر دم است چگونه آن بد بخت متالم و منزجر میشود، و اگر مدح است چطور دماغش جاف میگردد - از بندر مبارکه تا بحال مردی برنخواست است که خواسته باشد راستی گفته باشد و صدق و حقیقت نهفته باشد، زیرا که پیهوده بدین درازی نمیشود، کاسکه دروغ تا این مسافت نیرود.

آخر آقایان محترم خدا بشا اصف دعد چگونه در حائیکه ظلم کران تا ~~کران~~ گرفته و بیقاعدگی و ناملاطی از این سوء تا آن سوء بر کرده حضراتعالی دارید هی عدل و اصف و بزرگی و قنوت است که قطار میدهید - در محلیک دستکامهای زندگی خراب، تزییات معیشتی مختل، نظیيات امور رسره معدوم میباشد چگونه شاهمیرانید که نعمت صحت و امنیت حاصل است - اگر نعمت بود چرا آنها سر باز های دولت از این حیسات مذلت آسوده و در قبر بدبختی و مسکنت فرسوده گشتند، و اگر امنیت بود چگونه آن بدبخت مستمند که دزدش زده بود دیوانه گشت و واله و شبدا سر بیابانها گذاشت؟ سبحان الله دو روئی و دو رنکی ایرانی دارد ضرب المثل عالم میشود و باز ما از شدت پوست کلفتی داریم دهرنکی و ده روئی پشه خود میسازیم، در عین استبداد دعوی مشروطه خواهی ~~حکمرده~~ و در همان دقیقه که دزد را عزیم ادعای دینداری میکنیم!!! از این ملاحظات ناملاط است که باز قبل مارا شور هندوستان بسر آمده

و زمانی دیگر بسوید این اوراقی ~~تالیق~~ که حکم اباطیل دارد اقدام میورزم

بعد از آنکه صفحه فوقرا تمام کرده نظر ثانوی دران انداختم تا اندازه از اغراضیکه بر وقایع نکاران وارد آوردهام بشیان گشتم، چرا ~~که~~ این اشخاص هم تصویر ندارند، بعلت اینکه همین کار را یا مایه نزاکت و تقنی یا انت تقرب و وسیله خوشباش و یا ذریعه مرعوبیت دیگران از خودشان قرار داده اند، و بنابرین احوال آنها بطوری است که برای خاطر بک هر بزرگان یا یک تعظیم فلان و بهمان و یا یک انعام از ایشان حاضرند که هزاران حقایق ثابتة واضحة را بیاهل ساختن و بمقتضای این اوقتی یک دروغی را محض اینکه از قافیه دزدان عقب نماند بیاقتد، و ضمناً از کیمه خود اخلت بدبخت که امروزه مورد ترحم تمام اهالی عالم است صاحب نام و نشان و معروفیت هم بشوند

(در خانه اگر کسی است یکحرف بس است)

در وقتیکه ملت و مملکت ایران مثل مریض قریب الموت بداروی تصویبات صحیحه محتاج میباشد اوراق جراید ما که حکم نسخه دوا برای آنمریض بدبخت دارد بدبختانه این ملتخواهان ناهم که منزله دوست نادان دارند هرچه را طبع و میلشان اقتضا کند روی کاغذ آورده قلم فرسایش و مرکب مالی میکنند، غافل از اینکه فهمیده یا نفهمیده هزاران صدمات نوبیه بملت و مملکت بدبخت میزنند و آنوقت همانطور که خودتان فرموده اید یا مدح بلاسبب یا ذم بلاجهت موضوع آقایان گرام میشود، خبر نکاران ما وقتیکه قلم بدست گرفته و صفحه فرسایش میکنند میندارند که خدای نا کرده حالت خبر نکاران خارجه پیدا کرده و همانقدر که ایشان بعلت خوددع میرسانند اوها هم نایده وارد میآورند و حال آنکه ( زاین حسن تا آن حسن فرقیست ژرف ) خبر نکار فرزکی وقتیکه بشهری مانند بندر مبارکه میرسد موضوع خود را

( اولاً ) نقص لوازم حیاتی

( ثانیاً ) نقص وسایل مخاربه

( ثالثاً ) نقص روابط امنیه

( رابعاً ) نقص تزییات نظمیة

( خامساً ) نقص فراهج تریقی

(سادساً) نقص مطالب معاشی

(سابعاً) نقص امور کسبی

(ثامناً) نقص کارهای حکومتی

(تاسعاً) نقص ادارات مدنی

(عاشراً) نقص ادارات حربی

(حادی عشر) نقص ادارات قضائیه و غیره و نیمه میکند. که اگر بخواهیم تمام نایب را بگوئیم باید ده دوازده نمره حبلالین را فقط برای تعداد آنها صرف و وقف سازیم. ولی خبرنگاران ایران شاید باوجودیکه ساا در یک بلای شو و نما کرده و هرار توی سری از عمال استبداد خورده و صدها ظم و اذیت دیده باز تاخواست که چیزی بنویسد و در آن عرصه و نکات را برخورد تنگ کرده انانط نعمت و امنیت را از دست خود عاجز میسازد و واقعا اگر کسی مسبوق بچگونه کی احوال نباشد فوراً تا نکارشات و پرا بخواند خیال می کند که این بندر مرکز خراب و منبع معاش و مریط بلا نیست. بلکه قطعه از بهشت ارم و مشحون از هر گونه بم و مرکز آزادی مشروع و منبع برکات بی پایان است. خلقتش از هرجه آسوده و در بسز راحت بنوده. بلبلان خوش الحان از هر سو در آواز و مرغان بهشتی از هر گوشه در اهتزاز و بعبارت مختصر جایست که همان اعراقات منشیان ایرانی در آنجا مجسم گردیده دیگر مرکز مرگ میخواند برود قصاب خانه. اما کسی که مسبوق است میداند که همان مکان فرحت توامان و جایگاه شمع اکتفاء ما از هر فرط ظم و بیداد و شدت جور و استبداد حالت یکی از کابه های افریقا پیدا کرده اما ایش همچو ددان و وحشیان درم افتاده حقوق انسانی پایمال جهل ظلمانی گشته و دست ظلم طومار و ترقیرا در نوشته! گویا برای تنبیه آقایان تا همین درجه بس است و مخصوصاً چون حالا اول تجدید حیات مشروطه است خوب است قدری خدا را منظور داشته عبث اوراق جراید را با اکاذیب و باطبل مملو نسازیم -

بیت شکوی

بعد از آن میخواهم عنان قلم را بجانب آن اساس و دایره که حفظ حقوق پیشرفت ترقی تسهیل امور و دفع معایب يك قسبی بزرگ از اهل ایران

بهمده خود گرفته است عطف نمایم. و بعبارت ساده از انجمن مقدس ولایتی بوشهر! تنقیدی با نزاکت کنیم. تنقید که در هر جا جایز است و عیب و عار نیست. تنقید از جهله و سایللی است که در بلاد متمدنه برای بیدار ساختن یحبران خیلی بجا و سزاوار دانسته و کراراً باستعمالش برداخته اند. بدون تنقید هیچ اقدام ملی. هیچ امور حکومتی و هیچ ترتیبات واجعه بامور عمومی صورت جریان نمی پذیرد. در ثنات متمدنه هیچ یک از وزراء دول اقدامی نمیکنند مگر اینکه مورد تنقید جراید گردد. چه کارهای با مضرت بوده که بواسطه تنقید فلان روزنامه بکی مرتفع و چه مناسد گوناگون بوده که از خورده گیری يك نفر مدیر روزنامه مندفع گشته است.

بلی ما هم حالا میخواهیم يك تنقیدی مبنی برکمال ادب و حرمت و نهایت نزاکت از انجمن مزبور به جائیم. شاید در میان این همه اعضای آن يك نفر پیدا شود که عبار عرض و نافرمانی جلو چشم او را نگرفته باشد و خالصاً مخلصاً بفهمد چه باید کرد و چه نباید کرد

۱ تمام عالم از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال میدانند که حالا ملت ایران از قید استبداد رهائی و استخلاص یافته و طوق عبودیت را از گردن خود شکسته یا بعبارت دیگر در دایره ملل حیه داخل شده است و ترقیات بی پایان روی بدینکال گذارده. ولی بدبختانه در اینجا شیر از وجود يك انجمن آنهم انجمن بیفایده چیزی نیست که دلالت بر این معنی دارد. اگر توضیح حال را بخواهید میگویم مثلاً در زمان ناصرالدین شاه که ببحوجه استبداد و هنگامه بیداد بود رعیت بچاره بنیادر دستخوش اغراض يك دو نفر مامور دیوان بودند و هرگز از ظلم و حيله های آنها نمی آسودند. حالا هم همان طور است.

در همان زمان هیچیک از افراد مردم امنیت ملی و جانی نداشتند و اموال آنها معرض دزدی و سرقت و چپاول و غارت بود و جان آنها مورد کتک و قتل بود. حالا هم همان طور است در آن زمان هر فردی از افراد مأمورین مثل رئیس توپخانه. رئیس تلگراف خانه. رئیس سرمازها

و غیره و غیره در عالم خود يك فعال ما یشاء بودند و هر که را میخواستند اذیت میرساندند. حالاً هم همان طور است

در آن زمان انتظامات داخلیه مثل حفظ طرق، طرد سارقین - حفاظت اموال مردم و غیره معدوم بوده حالاً نیز اثری و خبری از آن نیست. پس در این صورت برای این یکصد و پنجاه هزار نفر بدبختی که در صحنه بنادر هستند چه فایده و نفعی حاصل گردیده است : هیچ -

آیا این انجمن مقدس بجهت رفع مظالم وارده بر این بدبختان چه اقدام خدا پسندانه کرده است. هیچ همان وقتی که این اداره طیبه برسیدگی عرایض و شکایات و رفع مناقشات و منازعات سرگرم و مشغول شده و حالت يك عدایه ناقص پیدا کرده حقوق عامه خلق این ساحات را بکلی پایمال داشته و وظایف اصلیه خود را از نظر دقت دور کرده است

وظیفه انجمن نه آنست که تمام اوقات خود را برسیدگی شکایات شخصیه و ملاحظه عرایض مفصل ساختگی مصروف داشته یا در اموریکه راجع به عدایه است دخالت نماید چنانچه در دوره اولیه معمول میداشت، و هر قدر و از هر طرف کتباً یا لساناً سرآ یا علناً بر رئیس بزرگوارش اخطار میشد که ایرامور خارج از وظایف انجمن ولایتی یا این است ابداً بخرج آن جناب مستطاب نمیرفت، بلکه چون مشارالیه بملاحظات شخصی همواره اظهار شکایات بانجمن را دعوت میکرد این توضیحات هم در خدمت ایشان حل بغرض میگشت و نتیجه این حثک کاریهای بیعی آن شد که هنوز داستان رشوه گیری بعضی وکلای سابق را سر هر بازاری میگویند

وظایف انجمن فقط نضارت بر اعمال حکام و دوائر دولتی مانند حکومت بلدیّه، معارف، نظمیه، عدلیه، تجارت، پست، تلگراف، قشون، بحریه و غیره است. ولی حالاً میخواهیم بینیم در این خصوص چه اقدامی شده، آیا معارف این ساحات را ازدیاد داده و اساس مدارس را مستحکم فرموده اند؟ خیر، در حالیکه بندر بوشهر با آنهمه اهمیت دارای يك مدرسه ابتدایه ناقصی است و از فرط بی بولی محتاج بلغانه و خیریه سایر ملل شده است

اعضاء محترم این انجمن از وجودش بیخبر مانده سهل است آن اساس را مثل يك اداره مخالف با خودشان تصور میکنند، و شاید اگر کار منجر بخیرالات خودشان بشود ممکن است که برداشتن آن را تصویب فرمایند! اداره تلگرافخانه دولت در اینجا دستخوش و آلت بازی ارادل شده جمعی اوباش که از بیکاری به تخریب امور کوشان هستند آن اداره را بنگاه خودشان قرار داده و با کمال آزادی کایه تلگرافات و مخبرات مال هر کس و هر چه باشد می بینند و بانشارش می بردازند و این فقره چیزی نیست که در بوشهر مستور باشد. معیناً یکی از اعضا انجمن مقدس پیدا نشد که محضاً لله همین يك کار جزئیرا درست فرماید و افشاء راز مردم را منع نماید. ادارات حربی اینجا موضوع مسخره و مضحکه هر داخله و خارجه شده و از بسکه جبلالتین در اواخر فریاد زد خسته و وامنده شده با وجود این هنوز نظر آقایان وکلا بدینمشله توجه فرموده و معلوم نیست در چه وقت فرماید، عدایه در اینجا معدوم و حرفی موهوم است و کارهای مردم بدبخت مثل زمان ناصرالدین شاه یا محمد شاه خراب و مطال مانده است و بعد از آنکه آقایان مکرم آلت غرض رانی شده و عدایه ناقصی که برپا شده بود از اینجا برداشتن و انجمن عرایض بعضویت سه نفر از خودشان و بریاست يك نفر (که بیچاره از فرط نافرمانی هر را از بر تمیز نمیدهد و بواسطه واقور از سایه خود میتپد و يك وقعه مختصر نمیتواند بنویسد) تشکیل دادند اعلانها صادر شد. حرفها زده شد. که بحمدالله حالاً دیگر زمان انصاف و عدالت و اوان عدالت و رفع منقصت رسیده و گلهای امید در کشت زار امان و آمال مردم روئیده و چه و چه اما بعد از اندک مدتی

( ناسپان بانگی زدد عدایه مرد )

بعد از تشریح این مراتب که اگر بیخشم دقت نظر شود تمام دستورالعمل انجمن را حاوی میباشد. خوب است يك مطلب که ساداست مایل بعرضش هستم اظهار دارم، از همه مردم خاصه ایرانیها نمیتوان متوقع شد که بلا عوض و بجای قسمتی از اوقات خود را در اینگونه کارهای بی مصرف بدارند، زیرا



که میان ایرانیها هنوز حس ملت پرستی و وطن خواهی و نوع دوستی ریشه نگرفته که برای خاطر ملت از خود بگذرند و عوام هم ضرب المثل خوب دارند (گرچه هم برای رضای خدا موش نمیگیرد) و ممکن نیست فلان تاجر بعد از آنکه بخواهد دو سه ساعت از وقت خود هدر نماید و با مامورین دولت طرف شود هیچ ملاحظه از فواید و منافع خود نداشته باشد و از آنها تعلق نکوید، یا آنکه رودریاستی را کنار گذارده خدا را حاضر و ناظر بیند، حق بگوید یا حق بجوید، زیرا که این خدمت در نظر آنها بدون پاداش است و از آنجاست که می بینیم کایه آنها سکه همچو امور مقرر میشوند بهمان الفاظهای میدان تری که نصیرش در تلگرافات انجمن سابق بنادر شورای ملی مشهور و معلوم است قناعت فرموده چیزیکه ندارند اقدام و عمل است و فقط داغوشی که دارند از این است که چگونه جبروت و جلالت ختم و عزیز بجهت بودن را دارا باشند و همبنددر که فلان مامور دولت گفت (من نوکر انجمن و چاکر و کلاه هستم) دیگر جناب و کیلبانی از فرط تعاض و مباحات در پوست نمیکنند، و بر دانایان و من خواه مخفی نیست که این مطلب تا چه اندازه محل حقوق و مضر فواید نوعیه ایرانی است و تا زمانیکه حال بر این منوال و کار از این قرار است ابداً نباید در ستکاری و سلامت نفس و کلاه جزو اطمینان و اعتماد داشت، بلکه بالعکس میباید بعدم ترتیب و انتظام یقین حاصل کرد

بعضی وطایف آنیه انجمن بموجب ذیل بوده و هست  
اولاً - بایست لزوم و وجوب عدلیه را در اینجا با توضیحات مقتضی یا کتباً یا تلگرافاً بمرکز ابلاغ کرده و عدایه صحیح حاصل و برقرار نماید  
ثانیاً - مناسبه جاریه تلگراف خانه را که بشکاه راذل شده مفصلاً با دلایل واضح نوشته و سبب شود که رفع آن حاده گردد  
ثالثاً - در امور مدرسه تعمق نظری فرموده  
تشریحات صحیح بمرکز ارسال و آنچه را که برای استدامت و استقرار این اداره لازم است اشعار دارد  
رابعاً - حالت قشون ساخوی اینجا را با تفصیلات

کامله از رئیس آن اداره بدست آورده اطلاعات خود شانرا بر آن اضافه کرده بمرکز روانه دارد یعنی اگر پول بسرباز نیرسد کاری کنند که برسد، و اگر لباس از آنها می رود کاری کنند فرود، اگر جای آنها مزبله است ترتیبی بدهند که درست شود، خامساً - در دروازه بیج حق و مشروعیت از مال التجاره مالیات گرفته میشود و این قهره مخالف با هر قانون است - تفصیلاتش را درست تفحص کرده بمرکز خبر دهند و رفعش نمایند

سادساً - بندر دلبار مرکز ورود امنه قاجاق شده امساله کایه تجار دیندار بوشهر امنه کثیر المشور خود شان را در آنجا پیاده کردند به بحرین فرستادند تا از آنجا حمل شد، این مطلب را که ضرر فاحش بدوات و ملت میرساند با دلایل و براهین بعرض اولیای مرکزی برساند

سابعاً - طرق و شوارع از شیراز تا بوشهر همه درهم و برهم و بی نظم و مفشوش است و در عرض این راه اقلای بیست نفر پادشاه ملوک الطوائفی خود سر مثل احمد خان انکالی، شیخ حسین خان چاه کوتاهی، نور محمد کارجی حیدر کارجی که کشته شد زایر خضر تنگستانی، فلانکس خشتی، زبیر و شیره تشریف دارند که بدر مکاریانرا میسوزانند و ظلمهای یزیدی میکنند و خراجهای بیجا از آنها میگیرند، این فقرات را بطور صحت و ترتیب راپورت نوشته بمرکز بفرستند و امر بمنع اینلوک طوائفی بشود و گرنه چیزی نخواهد گذشت که آب از سر میگذرد نامناً - در بوشهر نظمی وجود ندارد و تمام کارهای شهری مانند دوره جشید و کیخسرو در کف یک نفر کلانتر است که عقل معدوم او میزان امور شده است - اگر مالی از کسی بدزدی برود جناب ایشان مسئول نیستند چنانکه یکذکر بقال بدبخت که هتصد تومان قدینه در دکان داشته و دارائش منحصر بان مبلغ بوده شبی پول را از دکانش بردند همینکه بکلانتر خبر داد غیر از تکذیب چیزی نشنید و هر قدر درب خانهای مامورین بزرگ شریعتاً بان اعلم و نجار محترم دوندکی کرد بجائی نرسید تا آخر کارش بدیوانکی کشیده واله و شیدا در معابر و کوچه ها گشت و گذار میکرد، برای نمونه کارهای نظمیته حایه یک مثالی عرض میکنم

شبا همینکه سه ساعت از غروب آفتاب گذشت شیفور می کشند که کسی دیگر در کوچه نماند و معابر هم که بی چراغ و نور و تاریک مثل شب دیجور اند حتی از مردم میشوند و کار بکام دزد های طرار میشود !!

وقوع این حادثه برای ایرانیها چندان باعث حیرت نیست . چونکه همیشه بر ضد محسنات خو کرده و عادت یافته اند ولی هرکس مملکت دیگرانرا دیده می فهمد که این چیزها در اینجا از یادگار کاؤس کی و کیتباد محسوب میشود !!

یکی از بدبختیها

پس ازین توضیحات که عرض شد خوب است بصری محال و انوار عمومی ایجا بیندازیم - در عمره ۱۰ حبل اللین از بابت احوال حکام و سبج سلوک ما ایشان عجب تحقیق ایقی فرموده اید که تماش در موضوع ما مقرون بصدق بوده و هست یعنی ( این همه آوازها از شما بود ) این فقره طیبی است که من که سالی سال یعنی از زمان طفولیت تا اوان کهولت بخوشی و نعمت اسباب بوده و هر راحت و ناز پرورده شده و غیر از حکم فرمان و حدود نمائی کاری نداشته ام و از سنگ هم بول در میاورده ام حالا چطور میشود که حمی بیایند و من بگویند که مشروطه برپا شد و وضع سابق از میان رفته و دوره جدید یعنی زمان عدالت پیش آمده و من باید بعضی کار های سابق را ترك بنمایم - من که در دوره سابق با وصف بودن مشروطیت هر کار که میخواستم اقدام میکردم و هرکس از مامورین دولت را که برخلاف حرف میزد یا باهام یا به بیشکش یا بوسیله دیگر از میدان خارجش میکردم و تمام کارهای مرا فاسد و خفتی مینمودم حالا چطور میآیم قلب ماهیت کرده از آنچه راحت و خوشگذرانی و شادکامی که طبیعت ناخوش شده صرف نظر کرده از صبح تا شام خودم را مشغول رفع مفاسد و دفع خرابیها میسازم و اسباب زحمت و درد سر برای خودم فراهم میآورم - خیر ابدأ نمیشود - کدام آدم عاقل است که زحمت را بر راحت و مداخل و تقدیمیهای چرب و نرم را بر موجب محدود مینویسند ترجیح داده و برای خودش آقا و ارباب بترشد !!

حرف درست همانست که حبل اللین گفته یعنی ( تا جائیکه ممکن است کسانی که عمر خود را بحکومت های دوره استبداد گذرانده اند از حکومت معاف دارند و اشخاصی که در يك نقطه مدتی حکومت و راه و رختۀ دخل کردن و انتشارش انداختن و سازش با اشرار را بدست آورده در آن نقطه حکومت ندهند )

علت اینکه در این قسمت از مقاله اینهمه ریزه خوانی کرده و در پرده حرف میزنیم همین است که بجواد اینکه این نمره روزنامه برسد آنوقت هر کس که از عالم انشاء باخبر است متهم بپوشتن اینمکتوب میشود و باید باندازه ملاحظه درکار داشته باشیم که حالت این بیچارگانرا رعایت کرده و خطری برای آنها راه ننداخته باشیم، ولی باز هم حقوق تمامی نوع را برملاحظه حالت محدودی از مردم ترجیح نمیدهیم و تا آنجا که مصلحت وقت است از حقگوئی چشم میپوشیم -

احتیاط کاری و مراقبت مأمورین حالیه فقط تا چند روزی درکار بود که تازه رسیده و میخواستند مقام خودرا استحکام دهند، ولی بعد از آن چون دیدند که از هر طرف کمال خوشنودی اظهار گردید و مخصوصاً حبل اللین که همیشه مانع از کار های خفت بود ناظهار رضایت برداشت یکدفعه تغییر مسلک داده اند و همان شیوه دیرین و طریقه پیشین را پیش گرفتند و ناز همان آتش و همان کاسه طاعن شد، او این عایق خیالات مأمورین آقا سید اسدالله خرقانی دیده میشد زیرا که این شخص از طرف ذی سرف حضرات مقدس حجج اسلام نجف مأمور به مواظبت اعمال و مراقبت افعال شناخته می آمد معلوم بود که باوجود وی نمیتوانند مثل سابق بکار پردازند این بود که شکر آب در میان آمد - هرکس چشم هوش دارد می فهمد که در همچو حالی چه وضعی رخ میدهد - بعد از آن هم رشحه از رشحات این مجادله بانجمن رسید و کار بافتضاح قیامین کشید و سپس این کلمه بر سر کارگذار شکسته شد والسلام نامه تمام و ایدس هذا باول قاروره کسرت فی الاسلام - سه سال قبل روزنامه مقدسه در تحت عنوان ( نصیحت يك از ج - راند آزاد بيك از حکام ) شرحی بطور وعد و وعید نوشته و از نصیحت

فروگذار نکردند ولی ( آنکه البته بجائی نرسد فریاد است ) اما حالا دیگر باید آدم مدافعه کند و برای جمعی مردم که متهم میشوند بایست از گفتن حقیقت صرف نظر کند

بلی این ملاحظات درکار است و الا صاف و پاك می گفتم که امروزه يك مشتی ارازل فلاش سیکار مانند . . . . . متقاب معلوم الحال در سایه حایه عجان مردم بدبخت او نمانده که راتقی و فاتقی امور باشند ، اگر اصلاحات درکار نبود علناً مینوشتیم که بعضی ملاحظات میل ندارند از بعضی مفسدین و ارازل جلوگیری بکنند و از اینرو حق المقدور میبخواهند تغییری درمسلك و احوال خودشان رخ دهد و کار اجتناب بدبخت روی سخن نگذارد -

و صدق شرایع خدا و تمام عقلاء و حتی خود آقا سید اسدالله شاهد و گواهند و این مطالب معروضه یکی از عمار اندکی از بسیار است . و کره ( اندکی با تو بگفتم ، دل نرسیدم ) که تو آزرده شوی و ره سخن بسیار است )

اشاءالله در آینده بمرض تفصیل و دفع قال و قیل میپردازم و تمام برده را از روی کارها میاندازم

شرح این هجران و این خون حاکر این زمان بگذار تا وقتی دیگر

حاشا شرح احوال بعضی عقلاء ما

کنون که آن شرح و تفصیل را ناتمام رسانیدم بدنی بنیم يك مختصری هم از مابت حرکات و سکنات مشروطه بعضی اشخاص که در اینجا خودشان را قوه فعاله بخرج داده ابد بیان کنیم و بعد از آن این تطویل لا طایل را خاتمه دهیم - آن نفوس ناقصه که و الحقیقه در دجام خلقت و سفلی حیر مایه فطرت هستند بخیال کج وطن معوج خودشان که میتوانند ترتیبات جدیده را با فواید نامشروع و منافع ناجایز خود تطبیق بدهند در این نقطه مملکت از دیرباز به تاخت و تاز افتاده میبخواهند اسم مشروطه را سپر خود قرار داده و هر یقاعده کی را مرتکب شوند - برای پیشرفت این خیالات نایاکانه خود هر ساعت رنگی ریخته و هر دم نیرنگی پیش میگیرند - گاهی مدعی العمومی را پیشه خود قرار داده هر که و هر چه را با خیالات خودشان مخالف است مورد لعن و طعن میسازند - گاهی ودای شریعتآبی پوشیده

در حالیکه خودشان اوایل دزد مملکت هستند، هر آنکه با حرکات ساقه خودشان اتاوت داشته تکفیر میکنند و در هر مجلس که می نشینند بنوعی که اقتضای حاضرشان هست هر ار بان - شیخی - دهری - طیبی - درست میکنند و نه از خدا شرم و نه از پشمیر جدا آزرده دارند -

ترتیباتی که این با برمان برای پیشرفت کار خود دارند خیلی است - و چون معلوم است که کارهایشان آخر منجر به مناسد لاتعد و نحسی میشود و هر نوع اختلال را فراهم میآورد بدست که بجز بدآ یاره اسماشان را بر سیل تذکره سرحه دریم - همین اشخاص معلوم الحال ادبی و ضحوی می - دیداری - عدالت های - و مجاهدت دارند، اما و صحوای ایشان وقتیکه از دایره حرف به محرومه عمل داخل میشود و مانند صحنه فوتو - فی ( عکاسی ) کس صورت خارج میکند شکل اسلحه یعنی تفنگ و شاک تفنگ است که از راه رود چه و دلبار محرمانه وارد شده و صحبت مکارهاست که چشم داشت حایب دارند بداحه تماکت حل میآورد - دیداری آنها همکامیکه در تمام عدم بعرضه وجود میآید صورت رنگ حومری دارد که در جہازات نادی به اماکن معلوم ورود نموده و از آنها با همان مکارها بداحه سیاحت نموده بچشمه متاع مملکت را خراب و تاه و مثل روی آقایان مذکورین سیداه میسارد - عدالت طلی ایشان ذیشان همینکه بسور میآید حالت دسیسه بازی و سنگ اندازی پیدا مینماید که در آتوق هلاک تمام ملت را برای جمع خود خوبتر میزمانند -

مجاهدات آنها هر وقت از برده تیب بسور میآید عبارت از دو سه فریاد بلند و حرفه ای بزرگ بزرگ و ادعاه ای بجای سترک است و باین ترتیب دفتر فصایل ایشان خاتمه می پذیرد، اگر بخواهیم چگونه اعمال و شروحات احوال آنها را بویسیم ( مثنوی هتاد من دفتر شود ) و کار بجای نازک می کنند - همان بهتر که با فاعل اکتفا بهمین عرضها کرده تشریح و توضیح آن را بوقت دیگر اندازیم، خاصه از این کجبه از قرار ظاهر آن آقایان از حالا شروع بکار کرده و اکنون را آغاز کارهای خود

محسوب میدارند

(گرمایک این است وچنین روزگر)

(من ده ویران دهمت صد هزار)

حبل المتین

کراراً در این اواخر گفته ایم که هر کس بخواهد بتدریج سربوئی اسباب انتشارش و اختلال در صفحه و صفرهایم بیاورد اعدای ایران و ایرانیان و مستوجب سحت ترین مجازات و سیاستهاست ، و امروزه او این وظیفه خیر خواهان وطن آنست که پای محوکن وجود اینگونه اشخاص شرور را از میدان برداشته و خارهای داخلی را از جلو ملت بردارند و گرنه هیچوجه نمیتوان اطمینان و اعتماد به دوام امیدت در صحاحات دور از دارالخلافت داشت - چنانکه در یکی از نمرات گذشته ذکر کردیم لازم بلکه واجب است که اثرات مجازات و سیاست به ظرف شمال و جنوب هم امتداد یابد و بعضی از مفسدین معلوم الحال جنوبی خاصه آنهاست که از اول مشروطیت تا کنون مشغول افساد بوده اند گوشمالی بسزا بیاید و الا باز همان آتش است و همان کاسه ( امور کایه بنادر باید هر چه زودتر ممکن است مورد توجه اولیاء مرکز گردد و ترتیب صحیحی در این امور داده شود. و الا نه فقط هیچیک از اصلاحات معینده و ترتیبات جدیده در صفحه جنوب صورت حریان نمی پذیرد بلکه همین مسئله مختصر یعنی فرستادن وکیل بنادر به دارالشوری هم صورت نمیگیرد ، شاهد این عرایض همان تجربیاتی است که در این دو سه سال حاصل کرده ایم که با وصف اینکه چندین مرتبه هاپوی انتخاب را بلند می کردند باز ابدآ نتیجه حاصل نکردند یا نگذاشتند نتیجه حاصل بشود ، شبلی و با یزیدهای نوعی در ایران آن قدر فراوان است که مزیدی بر آن متصور نیست و در هر حال هر طرف که بادش بیاید بیادش میدهند. مثل اینکه امروز اظهار اطاعت و فروزی نسبت بانجمن و انجمنیان کرده ولی فرداست که هزار فحشهای آب ندیده در وقت وصول خط انجمن بانجمنیان داده فضاحت را تا اعلی درجه میرسانند ،

آقایان مفسدین را با کمال احترام اطمینان میدهم که صورت اسامی ایشان موقتاً با دادره رسیده و

حاضر است و مخصوصاً بمتمدین و موثقین اداره دستور العمل داده ایم که حرکات آقایان را مواظب بوده راپورت منصل از چگونگی حالاتشان بنویسند و بزودی همیشه لزومی دیدیم بدرجش اقدام کرده ملت را از حرکات آنها مطلع خواهیم داشت و بعون الله همان طوری که خارهای بزرگ استبداد بهمت مردان خدا برچیده و در مزبله مذلت انداخته شد این خس و خاشاکهای ریزه هم با دست همت جاروب شده آجائیکه باید بروند میروند و مکرراً محض اتهام حجت بیان میسکنیم که این دوره هیچ دخلی بادوار سابقه ندارد و هرکس بخواهد قدمی بسوی خرابی گذارد یا جایش بر فرازدار یا تکلیفش فرار از دیار خواهد بود - والسلام علی من اتبع الهدی

مراسله جناب آقای مفتاح السلطنه

(چهرل قوسل دولت علیه ایران)

از بدو ورود بهندوستان هماره مائل بودم بنوام خدمتی به بازماندگان شهدای وطن و محس زادگان حریت ایران یعنی ارامل و ایتم مجاهدین غیور آذربایجان که الحق والانصاف حتی ما فوق التصور و ایمان بر فرد فرد اهالی وطن عزیز دارند به نیام ولی نظر به توانی که در پیش بود و خود بهتر میدانید بدین فوز عظیم که افضل الخیرات است نائل نیامد یاد آوری نامه مقدس پیش از پیش محرک میل قلبی گردیده دویت رویه تقدیم شد که بوسیله سهله مرکز آن ارسال دارند ( داؤد )

حبل المتین

ما بوکات باز ماندگان شهدای راه حریت از جناب آقای مفتاح السلطنه تشکر می نمایم ، البته قبض رسمی هم از تجارتخانه جناب حاجی میرزا مهدی و اولاده تاجران اصناف یافته اند یقین است که تیرتمندان ایرانی باگوش حق نبوش اصناف میفرمایند که ببلان گاستان سعادت ایران یعنی شهدا زادگان آذربایجان با لحنی معصومانه اظهار میدارند « ای خداوندان نعمت - ای اربابان یسار و ثروت - ای کسائیکه با منتهای شوق و شغف شاهد حریت را در آغوش کشیده اید، نظری بر نالاکت و بیچارگی کنونی ما فرمایید - ما عروسان شوهرکشته و مادران فرزندان مرده و خواهران بی برادر و ایتم بی پدر که امروزه بمرض فقر و بی برستاری و ذلت و خواری و بیچارگی

ولایتی و ایالتی بسیاری از مقامات را قبضه خود خواهد گرفت و قانونی هم برای انجمنهای عمومی در کار ترتیب هستند

دفتر اعانه برای نازماندگان شهیدای وض در طهران لاز و تا کنون هزار و هشتصد ایرا (ترب بیست و هشت هزار روپیه) جمع شده است. حکومت حدید انتظار نموده که سر شاری کامل در ایران از روی صحت بشود تا عده نوس کاملاً معلوم گردد. و این مسئله نیز زیر تحویز است که چهل نفر از جوانان ایرانی را برای تلمیم بحرح دولت بارویا روانه دارند و ده نفر آنها فعلاً در مدارس متفرقه اروپا مشغول تحصیل هستند و سی نفر دیگر را از طهران بحساب اسلامبول و پاریس روانه خواهند نمود و یک معدودی از شاگردان ایرانی نیز در مدارس نظامی اسلامبول شرکت خواهند کرد

:-: اروپا کرل لیاکوف :-:

(ترجمه از اسناد ارد)

وقایع سکار اخبار مذکور تا کرل موصوف در پتر-برگ ملاقی شده بقرار ذیل مخبرات با او را اشاعت داده است

کرل لیاکوف - مرا دو نوبت موقع آن رسید که در کارهای فوجی اقدام نمایم - اول ۲۳ جون سنه ماضیه که موقع جنگ با مجلس پیش آمد و موقع دیگر جنگ با ملتیان چند هفته قبل - تحصیل مقابله من در دفعه اول این است

یک دسته کوچک قزاقان فرستاده شده بودند که بوض پلیس خدمت نمایند و اغلب این گونه خدمات از قزاقان گرفته می شد - ملتیان بطریق خدعه از عقب بر آنها شلیک نمودند و ازین رو ۲۵ مقتول و مابقی تمام مجروح شدند و توبجیدان دو توپ تمام کشته شده و توپها بدون توبجی در میدان افتادند وقتی که من رسیده و این واقعه را دیدم ناچار شده از لباس پلیس خارج و بلباس نظامی در آمدم و این حرکت من اختیاری بود (یعنی مأمور باین امر نبودم) و من یقین دارم که هیچ افسر صاحب تجربه درین امر مرا قصوروار نخواهد شناخت

واقعه ثانوی که چند هفته قبل بود ازین قرار

در راه وطن محبوب و شهادت حریفی که شما در آغوش کشیده اید باین خاکستر گرم و روز سیاه نشسته ایم - آخر ما هم بدر داشتیم - ما هم نروت داشتیم - ما هم عزت داشتیم - آیا رواست که باین زودی عارا فراموش کنید، آیا میدانید که طافه تیرآوران بر ما چه اثرها می بخشد، هنوز موقع آن نرسیده است که شما عارا فراموش نمائید

-: ترجمه از روزنامه پاپیر :-:

وقایع سکار اخبار موصوف از ایران من باب اصلاحات دولت جدید در مقدمه اکتوبر چنین مینویسد

تجویزیکه حکومت جدید برای وصول بقایای مالدات در تمام صوبجات نموده معلوم نمی شود مقضی المرام گردد، و چنان تصور می شد که اگر بقایای مالدات سه ساله وصول شود از استقراض خارجه مصون تواند ماند، حالا چنان مفهوم می شود که عاقبت ناگزیر از استقراض شوند، رأی غالب خیر خواهان ایران بر این است که در ماده استقراض خارجی رجوع بآلمان شود.

اطاق سیر آلمان که در موقع تخت نشینی پادشاه داده خیلی قلوب ملت را بطرف آلمان مائل ساخته است و آنچه محقق میباشد این است که حکومت حدید در اصلاحات ملکی آنچه صلاح ملک و ملت است عمل خواهد نمود، موثقاً تجویزی بحکومت جدید پیش شده است برای ساختن راه آهن از رشت بطهران تا جنوب ایران

بموجب خبریکه از شیراز رسیده سهام الدوله والی جدید فارس لیدایت و قابلیت خود را در انتظامات صوبه فارس بصره شهود آورده و با موالت الدوله هم از در صلح پیش آمده و او را راضی نموده است و نصرالدوله که از خاندان قوام به یاشیگری مشغول بود او را نیز زیر حکم آورده بانظام طرق و امنیت معابر نامزد کرده است

اخبارات مشهد ظاهراً میدارد که دزدی و قطاع الطریقی بکدغه مضموم گردیده و بعد از قتل شلامعلی دزد که بدست سپاهیان دولت شده نام و نشان دزدی از صوبه خراسان مرتفع گردیده است حکومت جدید عقرب اصلاح و انتظام انجمنهای

است - شاه سلطنت آباد بود (که هشت  
میلی طهران است) در آن وقت خبر رسید که دو  
حاجت بزرگ باغبان از دو طرف بجانب دارالسلطنته  
حرکت نموده اند همین که این مسئله موضوع بحث  
آمد من بر طبق قواعد جنگی این امر را زور  
دادم که بر دشمنان دور از شهر باید حمله نمود  
و جلوگیری کرد و باید مهلت داد که آنها  
بر شهر حمله نمایند - چه اگر آنها ادراف شهر برسند  
حظ شهر دشوار خواهد شد - عاقبت چندی فیصل  
یوسف یک حاکم از سربازان با یکصد و سی قزاق  
در راه قم برای جلوگیری از سردار اسعد فرستاده  
شود - و برای جلوگیری از اردوی قزوین چنین قرار  
دادم که چهارصد نفر در شانزده میلی شهر و  
سیصد نفر در دوازده میلی توقف نمایند - این دو  
طریق در چند میلی طهران با یکدیگر ملحق میشوند  
شد - در عیبت شاه بریکاد کوچک قزاق برآکنده شده  
بودند چرا که ممکن نبود شهر را خالی از قزاق گذارم  
و نیز سلطنت آباد که قیامگاه شاه بود آن را نیز  
محوط ندارم - بعد از تقسیم بریکاد قزاق درین  
مقامات صرف هفتصد نفر قزاق نزد من برای جنگ  
باقی بودند و سیصد و پنجاه نفر سرباز هم شامل  
آنها نموده بودم که بواسطه شواکت آن سربازان  
در موقع جنگ کاری از پیش تر ازان هم نرفت ،  
اردوهای که از دو طرف بجانب طهران می آمد عدوستان  
بمراتب از ما پیش و سردار آنها سپهبدار خیلی  
قابل و لایق بود و در معیت او هزار الی  
هزار و پانصد نفر قفقازی که از هر جهت  
رعایای روس بودند و سابقا در رولیسون روسیه  
مشغول جنگ بوده و در فنون جنگی کمال مهارت  
را داشتند و اسلحه آنها نیز خوب بود - اردوی  
سپهبدار با قفقازها دو هزار و پانصد نفر بود سپهبدار  
در راه قزوین خواست که قزاقها را از جای بر  
کند و سخت جنگ واقع شد و پنجاه نفر از طرف  
سپهبدار مقتول و همان قدر هم مجروح شد و حملات  
دیگر هم بسیار شد ولی از طرفین فتح و شکست  
معلوم نگردید - دردم و یازدهم جولائی پنجاه هزار نفر  
دشمن از بختیاری و اردوی سپهبدار هجوم آوردند  
و آن وقت قشون محافظه راه قم نیز شامل اردوی  
من شده بودند درین جنگ نتیجه ظاهر نگردید

از آن بعد من شورای عسکری منعقد نموده  
قرار بر این شد که چهارم اردوم جولائی حمله  
بدشمنان نمایم  
در طریق قزوین من باین قسم قزاق نهادم بودم  
در میانه یک بریکاد و چهار توب میسره یک  
بریکاد و دو توب درین بین چهار پنج میل فاصله  
بود و در قلب قشونیکه از راه اصفهان باز گشته  
بودند معین نمودم ، اگرچه قشون من کم بود و  
سپهبدار فقط از قفقازها هزار و پانصد نفر جرار  
داشت معذاک من امید قوی داشتم که کار را از  
پاش توانم برد چه توپخانه را که ما دارا بودیم بسیار  
خوب و قوی بود، ولی جنگ نشد - شب دوازدهم  
میان دشمن و قشونیکه در قلب میدان نهاده بودم  
که غالب سربازان ایرانی بودند چه پیش آمد هنوز  
واقف نیستم همینقدر می دانم علی الصبح حاج دشمنان از  
قلب اردوی من گذشتند، چون در راه جنوب بریکاد  
من بود دشمن از خارج راه از قریه ها گذشته  
وارد طهران شدند، من در نقطه مرکزی با حصه  
از قزاق در شهر بودم پس از استماع این خبر حکم  
دادم که باقی مانده فوج جمع شوند و با دو توب  
دروازه شهر را حفاظت نمایند، ولی قبل از اینکه  
قشون من روانه شود خبر یافتم که دشمن بدروازه  
رسیده، در چنین حال جز محافظه خویش چاره را  
بر خود منحصر یافتم چنانچه قزاقهاییکه در میانه  
بودند حکم دادم که قیامگاه شاه را محفوظ دارند  
و بریکادی که در میسره معین بودند حکم عودت  
بمراکز دادم و در آن وقت مقام ما خیلی در مخاطره  
بود، چرا که فقط نزد من سیصد و پنجاه قزاق بود  
و چهار طرف بریکاد قزاق سیصد هزار آبادانی  
شهر بود که در آنها هفتاد هزار مسلح و  
پست هزار قواعد دان بودند علاوه بر قشون  
دشمن - من قبل از وقت تدارک و تهیه محاصره را  
دیده و از چهار طرف بریکاد قزاق مقامات  
عمده را تصرف نموده بودم و امید هم داشتم که  
اردی سلطنت آباد به کمک من خواهد رسید  
چهاردهم جولائی کوشش شد که بکمک من آیند  
ممکن نشد - بوم بعد از دو موقع خواستند که  
بکمک من آیند باز ناکام شدند عاقبت اردوی  
سلطنت آباد را چنین حاصل شد، که کمک رساندن

بہن غیر ممکن است - چہار روز و سہ شب در محاصرہ بودیم و ہر وقت توپ و تانک بر ما شلیک می شد، شانزدہم جولائی شاہ در سنارت خانہ روس بنا شدہ شد و ما ہم راحت شدیم من از بریکاد قزاق بسیار خوشوقتم کہ در تمام این جنگ حق در موقع محاصرہ نیز کہ با کمال ناامیدی می جنگیدند بامنتہای جوان مردی استقامت و استقلال ورزیدند برخلاف آنہا سہا بر سربازان ایرانی کہ ہیچ اقدام مردانہ نہ نمودند ہر وقت از مشکلات موقع شکایت میکردند و اوقات مارا در خواہشات فضول صرف مینمودند و خواہشاتشان ہم غسی بود کہ انجامش در موقع جنگ محال بود ایران بریکاد قزاق سی سال است تعلیم یافته است و میتوان گفت کہ مقابلہ با قشون های تعلیم یافته دول می تواند نمود

تذکرہ اشرف بولایات حضرت آبات اللہ

(نہج اشرف بولایات)

توسط انجمنہای ایالتی و ولایتی بعموم ملت ایران اعلام میشود ارتعاع حکم حرمت اداء مالیات و لزوم اہتمام از رفع انقلابات را سابقاً بعد از تغییر سلطنت اعلام باز ہم تاکیداً اظہار میشود الہوم حفظ مملکت اسلامی بامنیت کاملہ و تمکن از اولیاء دولت متوقع و اندک انقلاب موجب مداخلہ اجانب و دشمنی بدین اسلام است اعاذاللہ المسلمین (محمد کاظم خراسانی) (عبدالله مازندرانی)

تذکرہ اشرف بولایات وزارت جنگ بحکومت

(جلیلہ اصفہان)

خدمت آقای مصباح الساطعہ فرمانفرمای اصفہان دام اقبالہ - سابقاً بتوسط تذکرہ اشرف بولایات رؤسائے افواج جلالی و فریدن و چہار محال شرحی تریستہام کہ در اعمار فوج ابواجیمی خودشان مشغول و دارای اختیارات تامہ بودہ باید کمال انتظام و آراستگی نواقص را از ہر جہت مرتفع و مرگاہ در عدہ قری فوج بضوان تخبیب و غیرہ در دادن سرباز تسمیعی بشود بای وجہاً من الوجوہ بدین عنوان متقاعد شدہ کسری نقرات را در ہر جا و ہر ضوان باشد کہ صحیح نمایند کہ در کار فوج بریج وجہ مقتضی نباشد، اینک صریحاً خدمت حضرت عالی ہم زحمت ببندد سکہ خصوصاً سرباز های افواج

از محل خودش گرفتہ شود و باحدی تخفیف دادہ نخواہد شد و برای گرفتن سرباز از ہیچ کس ملاحظہ نمیشود (وزیر جنگ)

### عربستان

اوضاع عربستان روز افزون دارد کسب و خامت می نماید جناب (فخرالملک) حکمران عربستان هنوز وارد نشدہ نایب الحکومہ از دزفول و شوشتر خارج گردید و شہر بدون مانع بدست اشراہ و سرجنبانان افتاد، عجب این است وقتی کہ تمام ایران مانند دریا متلاطم بود صفحہ عربستان وادی خاموشان گنہ می شد، اینک کہ ہمہ ایران امنیت حاصل نمودہ عربستان سربلند کردہ است، ہمہ قدر باید دانست کہ ازین سر تا آن سر عربستان اسی از مشروطیت نیست، بلکہ میتوان گفت مشروطیت بہ نظر مجرم دیدہ می شوند، لطیف تر از ہمہ زمزمہ است کہ در ہیچ زمان بگوش نرسیدہ بود اینروزها شنیدہ می شود کہ حکومت عجم نمی خواہیم، و چنان مسموع می شود کہ اتحادی ہم بین شیوخ درین موضوع قائم شدہ است

جناب حاجی خسروخان بختیاری بریاست قشون کل عربستان نامزد گردیدہ اند ولی هنوز وارد نشدہ اند فعلاً ہرج و مرج در عربستان خیلی بالا گرفتہ امیدواریم کہ جناب فخرالملک مسلک جناب سهام الدولہ را در عربستان اختیار نمایند

### جبل التین

صفحہ عربستان خیلی دارای اہمیت است اولیای دولت علیہ راست کہ جدا توجہ در انتظام و امنیت عربستان بنمایند، حضرت سردار ارفع کہ بحسن انتظام معروف و در دورہ استبداد بشروطہ خواہی سر شدند امروز باید در امنیت عربستان اولیای دولت را کمک نمایند و ادارات مدنی بندر محمرہ را از قبیل عدلیہ و بلدیہ و معارف و نظیہ و غیرہ و غیرہ دائر فرمایند و ما امیدواریم اقدامات ایشان در محمرہ سرمشق جمیع بلاد عربستان شود و چنانچہ در دورہ استبداد بہترین اسم مشروطہ خواہی را در تاریخ ایران کسب نمودند درین دورہ مشروطیت ہم بہترین رسم مشروطیت را درین سرحد معظم وطن از خود بیادگار بگذارند، ما تصدیق داریم کہ عربستان چون ایالت نیست بر حسب قانون انجمن ولایتی نمیتوان در محمرہ دائر نمود ولی انجمن

بلدیه و نظمیّه و عدلیّه و غیره که مؤیدات قانونی دارد امیدواریم به بهترین اسلوبی در بندر معتسّر بحره دائره شود و بآنک توجّه جناب سردار ارفع به بهترین اسلوب این امور انجام تواند یافت و خیلی خوشوقتیم که بدون تحریک خارجی این مواد تمدنی در بحره صورت بندد

کارنده محرمی مینویسد  
نامه مدس نبره ۱۱ زبوت در صحنه ۱۳  
تقریبی و کتاب مستطاب و تاریخ گزیده فریدون ملک (مرقوم بود از افتاء ابن فرزانه پسر بدان یگانه بدر امیدواری نامه حاصل گردید: جای بیچ شت و شبه نیست و تمام دانان رموز آقای دارند بر ایسکه اول بیدار کننده ایرانیان، اول نور افشان حریت در ایران، اول معترض علنی بوضع میثوم استبداد در ایران، مرحوم برنس میرزا ملکم خان نضام الدوله بود، نمرات ررنامه قانون (که امروز زیت هر کتابخانه معتبریت) و تصنیفات و تألیفات آن یگانه عام عبور آزادی خواه بهترین معرف آن بزرگوار است۔ برای اینکه دانایان را سبب دلگرمی و تشویق شود و ملت ایران خود را بقدردانی ناجیان مملکت سمر نمایند و برای اینکه حق شناسی خود را نسبت بحامیان حقوق ملی بر عالمان ظاهر دارد سزاوار است اول مجسمه که در ایران بیادگار افتخار ابراهیم نصب شود مجسمه ذیقیمت آن معدن تیرت و حیمت باشد، راه حصول بدین مقصود مقدس که فوایدش مالا بر احدی پوشیده و مستور نیست این است که جنابعالی منصدی این مهم شریف شده از تمام ولایات بتوسط وکلاء نامه مقدسه اعانه تحصیل فرمائید، مسلم است که جمیع ایرانیان برای کسب شرف و افتخار ابدی با کمال شوق در اینکار خیر داو طلبانه شراکت خواهند نمود، بل یقین قطع است که ملل مختلفه نیز نظر بحقوق دیرینه آن مرحوم بر عالم انسانیت با منتهای میل قلبی اشتراک خود را در این شرافت ابدی ببذل حصه از مالیه خود اظهار خواهند داشت۔ دانایان ملل و رموز دانان ترقیات مملکتی میدانند که اقدام در این عمل خیر تا چه پایه و اندازه بر توسعه معارف و نشر علوم و اشتیاق عموم بخدمت وطن و ملت خواهد افزود و بر عکس اگر چنانچه چنین اقدامی نشود گذشته

از اینکه کز ان نعمت را متضمن است و حق تلفی را برای ما ثابت مینماید هم مسلکان آن مرحوم را نیز از کار تا یکدرجه باز خواهد داشت )  
کترین ذره بین

اعلان

بوکلای محترم در هر نطقه اعلام می شود  
جراند فارسی که در هر شهر اشاعت می شوند حق مبادله یک نسخه جبل المتین را دارند، لذا هر یک از ادارات جراند فارسی یک نسخه تقدیم شود و سپس هم هر جریده فارسی که اشاعت شود همین حق را خواهد داشت

تبریکات صدیقی با ادارات جراند ملیه

همقلان محترم خود تمدن - مجلس - نجات - که مستغنی از تعریف و توصیف اند از صمیم قلب تجدید اشاعه شان را تبریک میگویم . بمحمدالله درین دوره جراند فارسی ما را سزایی بسیار حاصل آمده چه از حیث مسلك و چه از وضع اخباریت و چه در توسعه اوراق ، دوا و بقای همه آن همقلان محترم را خواستنیکاریم

ایران نو

جریده یومیه است که بطمع اخبارات اروپا یومیه در طهران اشاعت می شود و الحقی جریده است بسیار ممتاز و جامع و اول اخبار فارسی است اعم از اخبارات خارجه و داخله فارسی ، ترقی و دوام آن را از خداوند مسئلت می نمایم

وکالت جبل المتین در تبریز

زحمت وکالت جبل المتین در تبریز با جناب آقا میرزا عبدالحسن عبدالله زاده مدیر کتابخانه آذربایجان است، هر کس طالب باشد رجوع بایشان نماید

اعلان

محض خدمت بابنای وطن مقدس و برای ترویج و تسریل معارف یک باب کتابخانه موسوم به ( آذربایجان ) در شهر تبریز مفتوح شده هر قبیل کتب از السنه مختلفه جلب و بتیمت مناسب فروخته خواهد شد .  
و عموم مدیران جراید داخله و خارجه میتوانند وکالت جراید خودشان را بدانجا رجوع نمایند . و کتابخانه نیز تسهیل و ضمانت می کند که وجه ابروفه



یا با دو قسط در هر شش ماه با دارمحت حراید  
رساند .

( توضیح ) این ترتیب برای آن داده شده  
که هرگاه یکی از حراید در عرض سال بواسطه  
رقوعات و حوادث داخلی و خارجی دچار تطیل  
و توقیف بشود آن وقت کتابخانه مسئول و ح-ه  
ابویه مشترکین بگردد

( مدیر و مؤسس میرزا عبدالحسین عبدالله راده )

تبر فارس و والی حدید

( حساب سهام الدوله )

میتوان گف موروثی ترین حکام برای فارس  
حساب سهام الدوله میباشد، این و ح و د نار یافته  
دارای سه صد اند، اول ز طمی . دوم مدری .  
سوم ناسهم و همیشه اسب و طبعا حامی مشروطیت  
میباشد، امیدواریم این صوات هاره در ایشان برقرار  
ماند و سرمشق سایر حکام ایران گردد

بعد از ورود چون تسرالذوله و کاتب قوساگری  
روس را اختیار نموده بود او را و ادار د و د که  
استعفا گوید چنانچه او نیز استعفا گف، بدوا او را  
در خدمات عمده و انانیت ولی چون حیات حبلی  
او بود باز هم در خدمات دولت حیات کرد و در  
حکومت ناسب و مدال گردید که جمیع افساد  
خوب را او نموده و آنچه اعلاماتی که ناسم سید  
اشاعت یافته تمام محط خودش دست آمده و نیز  
تلگرافات که هر جا در خصوص سید اشاعت می شد  
همه بموجب دستورالعمل او بود، مح مح تر آنکه با  
آنچه خیانتهای سابقه و لاحقته نازم برای انتلاب  
خوب بدست پروردگان خود دستورالعمل انتشارش  
میداد و تمام توجه او این بود که در صحنه  
خوب بهر قسم بتواند قشون احبیه را دعوت نماید  
و میگوید برخی قرار و مدار های سریم با همسایگان  
داده بود این بود که حکومت مجبور بگرفزاری  
وی و زنجیر نمودن و دستاندن بطهران گردید

چنانچه سابق نوشته بودیم حضرت مستطاب آقای  
حاجی سید عبدالحسین لاری سه الله تعالی را ایالت  
جلدیه قبل از ورود خودشان بشیراز طلب نموده بودند  
ایشان هم با اینکه چهار ماه است مریض و بستری  
بودند فوری روانه شیراز شده با منتهای احترام  
بطلبند که سلامت و سلامت است که آقا در شیراز

بود هنوز هواداران بن قوام که واقف نبودند  
مشغول صدور احکام جعلی از طرف سید و اراعه  
تلگرافات در شکایت سید بودند . محمدالله حالا  
دیگر باب این تهمت بر این بزرگوار که بش  
آهنگ مشروطین خوب بود بسته آمد، و این حرکات  
را سیاموام ریاده محض بدنام کردن سید و پرده  
پوشی بر اعمال خود می نمودند

ایالت حایله حساب صوات الدوله امیر حشایر را  
هم مح امر و انقیاد آورده، صولت الدوله نیز کر  
خدمت دولت را بسته است

تمام توجه ایالت مصروف امنیت طرق و شوارع  
مید باشد و میتوان گف تا درجه هم مقصی آرام  
گردیده و این است که نزدی مملکت قوس کسب  
امیب نموده و راه حوث طرحه رفع و تجارت  
روق گیرد

موقرالدوله نیز که از تربت یافتن و ه قف  
بواقف عصر است درکار دعالت داده و حد مشغول  
دائر نمودن اداره سمیه . هلدیه . معارف و پرده بره  
میباشد و حلی ساعی اند که سریعا وکلای مجلس مندرس  
نظبران رستاده شوند و میگویند بر صرق برد و  
کرامان قوام حایله را هم محکم دولت گرفته اند  
( ولی تا کیون حقیقت این و اینه معلوم است )

### حلالتین

ما از حضرت اشرف وزیر داخله درین حسن  
انتخاب کمال تشکر داریم و امیدواریم که حساب  
سهام الدوله در ماسرهای فارس این حسن طس مسبر را  
که در اول ورود خود حلب فرموده تا آخر  
برقرار دارند بلکه همه روره بر آن بر رسید و  
بهترین یادگاری که حضرت ایشان در حکومت درس  
از خود به یادگار گذارند این خواهد بود که  
تشکیل پت اردوی منظم تحت انشایی برای درس  
دهند که امنیت فارس بدون وجود یک اردوی  
منظم نقش بر آب است، رواج مشروطیت در درس  
منحصر به تشکیل اردوست، قیام مشروطیت . منحصر  
در اوسس، آرامی ایلات و سرخنبانان فارس منحصر  
بچین اردوست و نباید این اردو فقط در حکومت  
ایشان باشد، این اردوی ساخلو همواره باید در درس  
موجود باشد و هرگاه حلی در ارکان این اردو  
واقع شود باید دانست که خلیل بامنیت فارس رسیده